



CHECKED-200

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible][illegible]

100

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله وصحبه الطيبين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله وصحبه الطيبين الطاهرين

داشتن هم کفرت لهذا پیغمبر علیه الصلوة والسلام قدریه را بچوشت امت
خود گفت و او تعالی در هیچ چیز خلوت نکند و هیچ چیز در وی حال
نبرد و او تعالی محیط اشیا است با حاطه ذواتی و قرب و معیت با
اشیا دارونه آن احاطه و قرب که در خور فهم قاصر ما باشد که آن
شایان خباب اقدس او نیست و آنچه بکشف و شهود معلوم کنند
انسان نیز منزله است ایمان بغیب باید آورد و هر چه مکشوف و مشهود
کرد و شبه و مثال است آنرا تحت لافقی باید ساخت انجمن حضرت
فرموده اند ایمان آریم که حق تعالی محیط است باست و قرب و
و قرب و معیت ندانیم که چیست و همچنین استواری او بر هر شئی که با او
در قلب بوسن و نزول او در آخر شب با سمان باین که در احاد
و نصوص وارد اند و همچنین بدو وجه که تقصص قرآن آن باطن اند
ایمان بدان باید آورد و بر معنی ظاهرش و سی حملی باینکه کرد و در توفیق
آن نباید آمد و تاویل آن مقصود بعلم الهی باید داشت تا غیر حق را حق
ندانسته باشی در صفات و افعال الهی جز جمل و حیرت بصیف کبر الیه
مانند هم نیست انکار مقصود کفرت است و تاویل آن جمل مرکب است
و در بیان بارگاه است * عمر ازین بی خبر بوده اند که هست * است
قرب و معیت حق تعالی را نوعی دیگر است که با نوع اول جزئی شاکرت است

عنه که پیغمبر
نزد خود و در این است
خاتم نبوت که نام او در این است و در وی
قدیر حق تعالی را خالی نیست و چون
میگویند و بدان که در خالی از خدا
عنه در خالی از خدا
کود که در خالی از خدا
او در حق
آن الله که
پیر میگویند حق تعالی
سعه ای با حاطه که مناسبت است
او تعالی باشد نه احاطه که
عنه قال الله تعالی و حق تعالی
ایست که حق تعالی
باینکه از آن که در حق تعالی
الصوابین که ای پیغمبر حق تعالی
صاحب این است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله وصحبه الطيبين الطاهرين

ندارد

Handwritten Persian text, likely a manuscript page, featuring dense cursive script. The text is written vertically from right to left. A prominent horizontal line separates the upper section of text from the lower section. The lower section contains several lines of text, some of which are enclosed in decorative brackets or boxes.

١٠

[illegible]

بلیل قطعی ثابت شده با همه آن ایمان باید آورد و ایمان بدو که ملائکه مذکوران خداست
حق اند و معصوم اند از کسایان و پیغمبره اند از مردی و زنی و محتاج نیستند
با کل و مشرب جاملان و حی و حاملان عرش اند و هر کاریکه مامور اند بر آن
تأم و انبیا و ملائکه با وجودیکه اسراف مخلوقات و مشربان درگاه اند
لیکن مثل سایر مخلوقات هیچ علم و قدرت ندارند مگر آنچه خدا آنها را علم
واده است و قدرت داده بذات و صفات الهی ایمان دارند چنانچه
سایر سالمان دارند و در او را که گفته بعضی و قصور معترف اند و در او را
تمام است که بقدر وسعت بشکر تو قیف الهی ناطق اند مذکوران خدا
آبایی او در صفات واجب شریک داشتن یا آنها را در عبادت و شکر
سازن کفر است چنانکه دیگر کفار را بخار انبیا کاخ و در پیش نهاد
عیسی الهی خدا و مشرکان عرب ملائکه را تخران خدا تخران شده و علم
بانبیا مسلم داشته اند کافر شدند انبیا و ملائکه را در صفات الهی شریک
نابید کرد و غیر انبیا را در صفات پیغامبران شریک نباید کرد و عصمت
سواهی انبیا و ملائکه و دیگری را از صحابه و اولیا واجب نباید کرد
و متابعت ممتنع بر انبیا باید داشت و آنچه پیغمبر صلی الله علیه و سلم کرده
است بان ایمان باید آورد و آنچه فرموده است بران عمل باید کرد و آنچه از او
منع کرده از ان باز باید ماند و قول هر کسیکه سر موافق و فعل پیغمبر صلی

۱۳
مکمل کریں و برد و صفت موقوف بر شہوات مخصوصه و علایات معلومہ اند و دانشان ازین سبب در تفسیر الخ ۱۳

۱۲۰

[illegible]

شیخ علم غفر له
وایمده علی بیان و ایجاد و تکوین
و احیاء و امانت و غیره
ای متابعت قول و فعل انبیاء
الشان از او میباشد و متابعت غیر
آنچه در این متابعت الیهاست
فرض نیست ۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله وصحبه وسلم

داشته باشد آزار و باید کرد و پیغمبر خدا خبر داده است که سوال منکر و دیگر قبر
حق است و عذاب قبر مرکا فران را و بعضی کنا سکا را حق است و بعضی بعد
موت روز قیامت حق است و بعضی صور برای احیاء و امانت حق است و بعضی
اسما و نیا و رختن ستارگان و بریدن کوهها و بر باد رفتن زمین
از نفخه اولی و بر آمدن مردگان از قبور و باز پیدا شدن عالم بعد عدم نفخه
نایه همه حق است و حساب روز قیامت و ششها و اعضا و وزن
کردن اعمال و رمی سزا و گذشتن از صراط که بر پشت و دوزخ
بر هر چه شمشیر و بار بکیر از مو باشد حق است بعضی مثل برق و بعضی
مثل باد و بعضی مثل اسب و هوا و بعضی آتش است بکند زنده و بعضی در دوزخ
افکنند و ششها و انبیا و اولیا و صلحا حق است و جوش کوه حق است
آب او سستاید تراش شیر و شیرین تراش سهد باشد و برو کوزه باشد
مثل ستارگان بر که از ان بنوشد بعد از ان نشه نشود و حق تعالی اگر
خواهد کتاه کبره را بی تو به بخشد و اگر خواهد بر جعیره عذاب کند و هر که خلایق
تو به کند کتاه و الله موافق و عده الهی بخشیده شود و کتاه همیشه در دوزخ
معدت باشد و مسلمانان کتاه را اگر در دوزخ و آیند آخر کار خواه
جلد یا بد را البته از دوزخ بر آیند و داخل بهشت شوند و باز همیشه در
بهشت محلد باشند و مسلمانان با کتاب کبره کافر نشوند و نه از ایمان

کوشش و خلق کرد و آب بر آید و شست
جمع شود طول و عرض می ساختند
قال الله تعالی ان الله لا یغفر
ان یشترک بیده و یغفر ما دونه
ذلت لیس فی کتابه و یغفر ما دونه
تعالی می شست شرک را و بخت کند تراش
شرک کسی که بخت کند تراش
و علامت اخلاص آن است که تراش کتاه
بکند و شست و تراش با شستن تراش
معلوم است که تراش را و نمودن و از تراش
باشد نقای آنها را و نمودن و از تراش
عبادت حق و محض را و ان شست تراش
با تراش کتاه را و حق با شستن تراش
نمودن کتاه را و تراش کتاه را
با و تراش کتاه را و تراش کتاه را
سکین را و تراش کتاه را
و تراش کتاه را و تراش کتاه را
هم اسب و نفعت است ۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
آله وصحبه وسلم

قال الله تعالی
ان الله لا یغفر
ان یشترک بیده
و یغفر ما دونه
ذلت لیس فی کتابه
و یغفر ما دونه

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على
محمد و آله الطاهین

برآیند و آنچه از انواع عذاب و دوزخ از بار و کثرت و وسایل و اعلال
و انش و محسوس و زقوم و عیشین که پیغمبر علیه السلام فرموده و قرآن بدان
ناظم است و انواع نعمت از ناکل و مشرب و حور و قصور و غیره همه
حق است و همه ترین نعمت های شبت ویدار خداست که مسلمانان حق
در بهشت بی برده بینند بی حبت و بی کیف و بی مثال و ایمان شبت
از تصدیق قلبی یا گردن و تصدیق زبانی یا کن تصدیق زبانی علی الخصوص
ساقط شود و اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم همه عادل بودند و اگر
از کسی اجتناب از کتاب معصیتی شده تأیب و محفوظ شده متواترات
قرآن و حدیث بدیع صحابه نقل است و در قرآن است که آنها را نخست
داشتند و بر کف غلاط و شداد بودند هر که صحابه را با شیعیان
الفت و اندیشه قرآن است و هر که با آنها بعضی غلطی در قرآن
بر و طلاق کرده و الله تعالی لیغظ بهم الکفار حاکمان
وحی و او یان قرآن اند هر که منکر صحابه باشد ایمان قرآن و غیره
ایمانیات متواترات او را ممکن نیست و اجماع صحابه و خصوص تأیب
که ابو بکر افضل اصحاب است پیغمبر صلی الله علیه و سلم ابو بکر افضل است
با و می تبعیت کردند و با شاره ابو بکر رجلافت عمر بعد از آن که بنا بر
اجماع آوردند و بعد عمر سه روز صحابه با هم مشورت کرده عثمان را افضل دانستند

و این حدیث بنویست
اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم
همه عادل بودند و اگر از کسی
اجتناب از کتاب معصیتی شده
تأیب و محفوظ شده متواترات
قرآن و حدیث بدیع صحابه
نقل است و در قرآن است که
آنها را نخست داشتند و بر
کف غلاط و شداد بودند هر
که صحابه را با شیعیان
الفت و اندیشه قرآن است و
هر که با آنها بعضی غلطی در
قرآن بر و طلاق کرده و الله
تعالی لیغظ بهم الکفار
حاکمان وحی و او یان قرآن
اند هر که منکر صحابه باشد
ایمان قرآن و غیره ایمانیات
متواترات او را ممکن نیست
و اجماع صحابه و خصوص تأیب
که ابو بکر افضل اصحاب است
پیغمبر صلی الله علیه و سلم
ابو بکر افضل است با و می
تبعیت کردند و با شاره ابو
بکر رجلافت عمر بعد از آن
که بنا بر اجماع آوردند و بعد
عمر سه روز صحابه با هم
مشورت کرده عثمان را افضل
دانستند

و این حدیث بنویست
اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم
همه عادل بودند و اگر از کسی
اجتناب از کتاب معصیتی شده
تأیب و محفوظ شده متواترات
قرآن و حدیث بدیع صحابه
نقل است و در قرآن است که
آنها را نخست داشتند و بر
کف غلاط و شداد بودند هر
که صحابه را با شیعیان
الفت و اندیشه قرآن است و
هر که با آنها بعضی غلطی در
قرآن بر و طلاق کرده و الله
تعالی لیغظ بهم الکفار
حاکمان وحی و او یان قرآن
اند هر که منکر صحابه باشد
ایمان قرآن و غیره ایمانیات
متواترات او را ممکن نیست
و اجماع صحابه و خصوص تأیب
که ابو بکر افضل اصحاب است
پیغمبر صلی الله علیه و سلم
ابو بکر افضل است با و می
تبعیت کردند و با شاره ابو
بکر رجلافت عمر بعد از آن
که بنا بر اجماع آوردند و بعد
عمر سه روز صحابه با هم
مشورت کرده عثمان را افضل
دانستند

حدیث بنویست اصحاب پیروی کنند هر دو کسان که بعد از من خواهند بود ابو بکر و عمر

بر خلافت او اجماع کردند و بیعت نمودند و بعد عثمان بن عفان را صاحب مهابرجین
انصار که در مدینه بودند علی مرتضی شعیب کردند کسیکه با علی مرتضی بیعت
کرد مخطی است لکن سوادین با صحابه نباید کرد و مشاجرات آنها را بخیل نکند
فرد باید آورد و با هر یک عقیدت و محبت باید داشت اینست عقیاید
فصل در اتمام نماز بعد بقیع عقیاید عده ترین
در عبادات بدیهه نماز است در صحیح مسلم از جابر بن عبد الله روایت است که فرموده است
که وضو در میان بنده مؤمن و در میان کافر ترک وضو است یعنی ترک وضو
کفری رساند و احمد و ترمذی و نسائی از بریده رضی الله عنه از آنحضرت روایت
کرده که هر چند در میان ما و در میان مردم نماز است هر که ترک آن کند کافر
باشد و ابن ابی الدرداء روایت کرده که وصیت کرد بن خلیل من
صلی الله علیه و سلم که شرک بخدا نکنی اگر چه کشته شوی و سوخته شوی و با فریانی
بوالدین مکن اگر چه امیر خصم که از زن و فرزند و مال خود بدر شو و نماز
خدا ترک مکن هر که نماز فرض را خدا ترک کند و نه خدا از وی برگزید و احمد
و داریم و بیعی از عمر بن عاص بن از ان سرور علیه السلام روایت کرده
که هر که بر نماز محافظت کند او را نور و محبت و نجات باشد روز قیامت
و هر که محافظت نکند او را نور باشد و نه بر مان و نه نجات و باشد او
با فرعون و هامان و قارون و ابلی بن خلف و ترمذی از عبد الله

الیه سیرت و توفیق الهی
چون کسی که با علی مرتضی بیعت کرد
مخطی است لکن سوادین با صحابه
نبا باید کرد و مشاجرات آنها را
بخیل نکند

وضو یعنی بویژه حاصل معنی آنکه
بنده مؤمن نسبت به وضو اگر
مسئقه فرضیت اوست کافر
نشده لیکن قریب کفری شود

خلیل صادق الحجه و درست دینی
و مدار از خود سوره اصلی الله علیه
و سلم استند

ای که در این مختصری برای نماز

نماز است و در این مختصری

بن شقیق روایت کرده که اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم چیز را
نمیدانستند که ترک آن موجب کفر باشد مگر نماز را بنا بر این احادیث
امام احمد بن حنبل تا رک یک نماز را عمدًا کافر نمیدانند و شافعی و امام
بقول میکنند بکفر و نزد امام اعظم و امام احمد واجب است تا که توبه کند
و استدعا مسلم پس باید دانست که نماز را بشمار بطوارکان است چنانچه ذکر
کرده می شود و از شرايط نماز طهارت بدن است از نجاست قبی
و نجاست حکمی و طهارت پاره و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت

کتاب الطهارة

فصل در وضو بدانکه در وضو چهار چیز فرض است اول سب
دوازدهم می سیر تا زیر ذقن و تا بر دو کوشش دوم شستن بر پیشانی
باهر و آرنج سیوم مسح چهارم مسح بر پاها و ساقها و با بر
ستاینک و اگر ریش کجانبان باشد سینه بین است زیر پیشانی
ضرو نیست اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن هم خشک ماند وضو درست
نماید و نزد امام مالک و شافعی و احمدیت و تریب هم فرض
و نزد مالک بی شستن هم فرض است و نزد امام احمد هم
کفین و آب و روغن و مینی کردن هم فرض است و نزد مالک و احمد
مسح تمام سه هم فرض است پس حیاط و ران است که اینهمه را آورد

یعنی موجب کفر باشد
نماز را بنا بر این احادیث
امام احمد بن حنبل تا رک یک نماز را عمدًا کافر نمیدانند و شافعی و امام
بقول میکنند بکفر و نزد امام اعظم و امام احمد واجب است تا که توبه کند
و استدعا مسلم پس باید دانست که نماز را بشمار بطوارکان است چنانچه ذکر
کرده می شود و از شرايط نماز طهارت بدن است از نجاست قبی
و نجاست حکمی و طهارت پاره و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت
فصل در وضو بدانکه در وضو چهار چیز فرض است اول سب
دوازدهم می سیر تا زیر ذقن و تا بر دو کوشش دوم شستن بر پیشانی
باهر و آرنج سیوم مسح چهارم مسح بر پاها و ساقها و با بر
ستاینک و اگر ریش کجانبان باشد سینه بین است زیر پیشانی
ضرو نیست اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن هم خشک ماند وضو درست
نماید و نزد امام مالک و شافعی و احمدیت و تریب هم فرض
و نزد مالک بی شستن هم فرض است و نزد امام احمد هم
کفین و آب و روغن و مینی کردن هم فرض است و نزد مالک و احمد
مسح تمام سه هم فرض است پس حیاط و ران است که اینهمه را آورد

در وضو چهار چیز فرض است اول سب
دوازدهم می سیر تا زیر ذقن و تا بر دو کوشش دوم شستن بر پیشانی
باهر و آرنج سیوم مسح چهارم مسح بر پاها و ساقها و با بر
ستاینک و اگر ریش کجانبان باشد سینه بین است زیر پیشانی
ضرو نیست اگر ازین چهار عضو مقدار ناخن هم خشک ماند وضو درست
نماید و نزد امام مالک و شافعی و احمدیت و تریب هم فرض
و نزد مالک بی شستن هم فرض است و نزد امام احمد هم
کفین و آب و روغن و مینی کردن هم فرض است و نزد مالک و احمد
مسح تمام سه هم فرض است پس حیاط و ران است که اینهمه را آورد

۱۰
الحمد لله الذي جعل
الدين والدار والدار
والدار والدار والدار

پاک است و بول آدمی اگر چه طفل صغیر باشد و بول خر و جمیع حیوانات غیر ملک
و پس افکنده او میان و چهار پا یکان نجس است نجاست غلیظه و نجسین خون
سالم هر جانور و تخم و منی و در خواست غلیظه مقدار در هم یعنی مساحت عرض نصف
در رقیق و بقدر چهار نیم باشد در غلیظه عفوست لکن آب را فاسد کند
و پس خورده آدمی و آب و جانوران ماکول و عرق آنها و عرق خر و اسب و
سب و پس خورده کب و موش و دیگر سواکن نجس است و سباع طفره کمر و ده
و پس خورده سگ و خنزیر و سباع بهایم و غیره جانوران حرام گوشت نجس
و بول اگر مثل سر سوزن تمیز شود عفوست فصل طهارت از نجاست
حکمی حاصل نشود مگر از آب پاک که از آسمان فرو آید یا از زمین بر آید
مثل آب دریا و چاه و چشمه یعنی از آب و دخت با تمر مثل آب بز و بزیانکو
یا بکینه کیمیا حاصل نشود و اگر در آب چیزی پاک افتد مانند خاک حیوان
و زعفران و غیره نجس است بجز نجاست کبر و وقتی که رقت او را دور کنند
یا در جزایر آب برابر یا زیاده مخلوط شود نجاست نجس کلاب و در نیم سیر
مخلوط شود پاک است که نام آب از دور شود که نام او شور یا یا سرکه یا کلاب یا
مانند آن شود در آن صورت وضو و غسل از آن با جماع جائز نیست وستن
یا در نجس مانند آن از آن نزد امام اعظم جائز نیست و نزد امام محمد و
نجس جائز نیست فصل منی غلیظه خشک اگر از بارچه تراشیده شود

ورده اند ^{انما} تقدیر کرده اند **فصل در چاه** اگر چاه نوری افتد و بهر داکر
آما سیده شود یا پاره پاره شود تمام آب آنجا کشیده شود و اگر نه
بس اگر چاه نور کلان است مثل کبریا کلان تر از آن نیز تمام آب چاه کشیده
و همچنین اگر سه چاه نور متوسط باشند و اگر چاه نور خرد است مثل پیش
عصفور از مردن آن بخت و لو کشیده شود تا شش و از مثل کبوتر چهل و لو
کشیده شود تا شصت و سه عصفور حکم یک کبوتر دارد و خوانند ^{استحباب} علم
فصل اگر صلی بر آب قادر نباشد بسبب دوری آب یک کوزه
و کوزه چهار نیز اقدام یا بسبب خوف حدوث بیماری یا در ناک و شفا
یا زیادت مرض یا خوف دشمن یا در نده یا خوف تشنگی یا امید نشدن
دلو و وزن او را جاز نیست که عوض وضو و غسل تیمم کند چنانچه بنین خاک باشد
یا رنگ یا چوب یا کچ یا سنگ یا مس یا سیاه یا قرمز یا شکر یا کاک باشد
اول تیمم تیمم دوم بر زمین زده یکبار بر تمام روی بمالد
و باز بر زمین دست زده بر هر دو دست تا آرنج بمالد این سه خبر در تیمم
است اگر بعد از آن هم از دست یا روی یا تنی ماند که دست آنجا بر کشیده
تیمم روا نباشد پس اگر شتری یا حرکت مابد و او در خلل و انکشتان
ناید کرد و تیمم پیش از وقت نماز جاز نیست و از یک تیمم چند نماز فرض ^{نفل}
خود من جاز نیست و اگر بر آب قادر شود تیمم باطل گردد و اگر در عین نماز

در چاه نوری افتد و بهر داکر
آما سیده شود یا پاره پاره شود تمام آب آنجا کشیده شود و اگر نه
بس اگر چاه نور کلان است مثل کبریا کلان تر از آن نیز تمام آب چاه کشیده
و همچنین اگر سه چاه نور متوسط باشند و اگر چاه نور خرد است مثل پیش
عصفور از مردن آن بخت و لو کشیده شود تا شش و از مثل کبوتر چهل و لو
کشیده شود تا شصت و سه عصفور حکم یک کبوتر دارد و خوانند ^{استحباب} علم
فصل اگر صلی بر آب قادر نباشد بسبب دوری آب یک کوزه
و کوزه چهار نیز اقدام یا بسبب خوف حدوث بیماری یا در ناک و شفا
یا زیادت مرض یا خوف دشمن یا در نده یا خوف تشنگی یا امید نشدن
دلو و وزن او را جاز نیست که عوض وضو و غسل تیمم کند چنانچه بنین خاک باشد
یا رنگ یا چوب یا کچ یا سنگ یا مس یا سیاه یا قرمز یا شکر یا کاک باشد
اول تیمم تیمم دوم بر زمین زده یکبار بر تمام روی بمالد
و باز بر زمین دست زده بر هر دو دست تا آرنج بمالد این سه خبر در تیمم
است اگر بعد از آن هم از دست یا روی یا تنی ماند که دست آنجا بر کشیده
تیمم روا نباشد پس اگر شتری یا حرکت مابد و او در خلل و انکشتان
ناید کرد و تیمم پیش از وقت نماز جاز نیست و از یک تیمم چند نماز فرض ^{نفل}
خود من جاز نیست و اگر بر آب قادر شود تیمم باطل گردد و اگر در عین نماز

در چاه نوری افتد و بهر داکر
آما سیده شود یا پاره پاره شود تمام آب آنجا کشیده شود و اگر نه
بس اگر چاه نور کلان است مثل کبریا کلان تر از آن نیز تمام آب چاه کشیده
و همچنین اگر سه چاه نور متوسط باشند و اگر چاه نور خرد است مثل پیش
عصفور از مردن آن بخت و لو کشیده شود تا شش و از مثل کبوتر چهل و لو
کشیده شود تا شصت و سه عصفور حکم یک کبوتر دارد و خوانند ^{استحباب} علم
فصل اگر صلی بر آب قادر نباشد بسبب دوری آب یک کوزه
و کوزه چهار نیز اقدام یا بسبب خوف حدوث بیماری یا در ناک و شفا
یا زیادت مرض یا خوف دشمن یا در نده یا خوف تشنگی یا امید نشدن
دلو و وزن او را جاز نیست که عوض وضو و غسل تیمم کند چنانچه بنین خاک باشد
یا رنگ یا چوب یا کچ یا سنگ یا مس یا سیاه یا قرمز یا شکر یا کاک باشد
اول تیمم تیمم دوم بر زمین زده یکبار بر تمام روی بمالد
و باز بر زمین دست زده بر هر دو دست تا آرنج بمالد این سه خبر در تیمم
است اگر بعد از آن هم از دست یا روی یا تنی ماند که دست آنجا بر کشیده
تیمم روا نباشد پس اگر شتری یا حرکت مابد و او در خلل و انکشتان
ناید کرد و تیمم پیش از وقت نماز جاز نیست و از یک تیمم چند نماز فرض ^{نفل}
خود من جاز نیست و اگر بر آب قادر شود تیمم باطل گردد و اگر در عین نماز

برآب قادر شود تا باطل کرد و اگر بدن مصلی یا بارچه او بخس باشد و برآب
آب قادر نباشد و او را ناز با نجاست جائز است اگر بر پا ریه پاک

بقدرست عورت قادر نباشد * مسئله اکر یک

عضو از اعضا و ضومریض باشد که آب رساندن بآن مضر باشد
و یا موجب زیادت مرض باشد و اگر آب را چایرست که بر آن عضو صح کند و
و یکرا اعضا و ضومرا بشوید و اگر اکثر اعضا و ضومریض باشد
که شستن آن مضر باشد و در آن صورت تیمم کند

کتاب الصلوة

فصل نازبه در آمدن وقت در حالت اسلام و عقل و بلبوغ و یا
چرا که اگر در مجنون و غفلت و یا در خطاب نسبت به غیر

رحض و نفاس فرض مشهود مسلم اگر از وقت تقدیر بگذرد
زنا اگر از نفاس و نفاس وقت ۱۱ و نماز نذر اند ۱۲

از خبر و بی خبری و بعد از این که خبری از او نداشتند

طلوع کناره آفتاب و وقت طریعی در زوال است تا که این طریقی

ای زوال یافتن به سمت الراس

امام اعظم ح وروایت منفی به از امام اعظم رحمه الله ان نسبت

وقت ظهر باقی ماند تا که سایه هر چیز دو چند آن نشود و سواهی سایه پدید آید

[illegible]

بگویم چه گفته اند این را چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند

مستون است و صفت آن معروف است و مسافر از ترک اذان مکروه است
 و هر که در خانه نماز گزارد آن را چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند
 نماز طهارت بدن مصلی است از نجاست حقیقی و حکمی چنانچه
 بالا گذشت و طهارت پاره و طهارت مکان و استقبال قبله
 و شتر عورت مرد را از نماز نماز برز او و همچنین کنیز که را باز نماند
 شکم و پشت و زن حرمه را تمام بدن مکروه و مهر و کف و نیت و هر چه
 قدم مسئله بر عضوی از اعضای عورت مرد با زن اگر چه
 حصه آن شکست شود نماز فاسد گردد و عموماً می سر زن فرو
 عضوی غلبه است از آنکه شاف ریح آن هم نماز فاسد کرده
 مسئله در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این جمله
 که بر این تقدیر اگر زن قرائت بجهر خواند نمازش فاسد شود
 مسئله و هر که پاره برای ستر عورت گذاشته باشد نماز او
 برینه جایز است مسئله اگر جانب قبله معلوم نشود
 تحوی کرده نماز گزارد و بدون تحوی نمازش جایز نیست مسئله
 هر که بسبب خوف و شمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبله آوردن
 نماز بجهت که ممکن باشد نماز بکرازد مسئله نماز نقل خارج مصر و ای
 هر سو که دایره و جایز نیست مسئله نیت شرط نماز است مطلق نیست و هر چه

بگویم چه گفته اند این را چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند

بگویم چه گفته اند این را چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند

بگویم چه گفته اند این را چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند

بگویم چه گفته اند این را چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند

بگویم چه گفته اند این را چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند و چه میگویند

واجب جداست از ترک فرض نماز باطل شود و از ترک واجب سهو
 سجده سهو لازم و واجب کرد و پس اگر سجده سهو کرد نماز درست
 شد و اگر سجده سهو نکرد یا واجب نماز ترک کرد واجب است که نماز
 را عاده کند و دیگر آنکه در فرض و واجب فرق نمی کنند بلکه آنکه سجده سهو
 از ترک بعضی واجبات و بعضی سنن گویند **فصل در بیان سجده سهو**
مسئله سجده سهو آن است که بعد سلام دو سجده کند و تشهد و
 ورود و دعا خوانده سلام دهد و اگر پیش از سلام سجده سهو کند هم روا باشد
 و اگر در یک نماز چند واجب سهو کرد **مسئله** اگر در یک نماز دو واجب سهو کرد
 سجده سهو کند مبتدایست امام و اگر در نماز **مسئله** خود سهو نکرد و نماز سجده سهو
مسئله جماعت و در نماز پنجگانه فرض است نذر و استسکین نماز منفرد
 هم صحیح است و نذر و افود نماز منفرد صحیح نیست و نذر و شافعی جماعت فرض
 کفایه است و نذر و ابی حنیفه و مالک جماعت سنت مؤکده است و قریب
 بواجب است و در احوال فوت جماعت سنت فخر را که مؤکده ترین سنتها
 ترک کند و اگر مردم شهری ترک جماعت را عادت کنند یا بنه قتل بلایند
مسئله جماعت زمان تنه نذر و ابی حنیفه مکروه است و نذر و ابی حنیفه و مالک
مسئله اولی برای امامت قاری تر است که از احکام نماز و نذر
 باشد پسر عالم ترک قرآن مایحوز به اصلوه بخواند و نذر و اکثر علما بخوانند

سجده سهو آن است که بعد از سلام دو سجده کند و تشهد و ورود و دعا خوانده سلام دهد و اگر پیش از سلام سجده سهو کند هم روا باشد

جماعت و نذر و افود نماز منفرد صحیح نیست و نذر و شافعی جماعت فرض کفایه است و نذر و ابی حنیفه و مالک جماعت سنت مؤکده است و قریب بواجب است و در احوال فوت جماعت سنت فخر را که مؤکده ترین سنتها ترک کند و اگر مردم شهری ترک جماعت را عادت کنند یا بنه قتل بلایند

سجده سهو آن است که بعد از سلام دو سجده کند و تشهد و ورود و دعا خوانده سلام دهد و اگر پیش از سلام سجده سهو کند هم روا باشد

جماعت و نذر و افود نماز منفرد صحیح نیست و نذر و شافعی جماعت فرض کفایه است و نذر و ابی حنیفه و مالک جماعت سنت مؤکده است و قریب بواجب است و در احوال فوت جماعت سنت فخر را که مؤکده ترین سنتها ترک کند و اگر مردم شهری ترک جماعت را عادت کنند یا بنه قتل بلایند

جماعت و نذر و افود نماز منفرد صحیح نیست و نذر و شافعی جماعت فرض کفایه است و نذر و ابی حنیفه و مالک جماعت سنت مؤکده است و قریب بواجب است و در احوال فوت جماعت سنت فخر را که مؤکده ترین سنتها ترک کند و اگر مردم شهری ترک جماعت را عادت کنند یا بنه قتل بلایند

افضل ۱۱ نذر و افود نماز منفرد صحیح نیست و نذر و شافعی جماعت فرض کفایه است و نذر و ابی حنیفه و مالک جماعت سنت مؤکده است و قریب بواجب است و در احوال فوت جماعت سنت فخر را که مؤکده ترین سنتها ترک کند و اگر مردم شهری ترک جماعت را عادت کنند یا بنه قتل بلایند

وزن پر و دست تا دوش برداشته بالا می بیند دست بر دست نهند
 بستر امام و منفرد و مقتدی ^{است} بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خفیه خواند
 بستر امام و منفرد و عوذ یا اللَّهُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ
 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خفیه بخواند و سبق در قضای ما سبق ابعوذ و بسمه خواند
 نه مقتدی بستر امام و منفرد و فاتحه بخواند بستر امام و مقتدی منفرد
 آیین گویند بستر امام و منفرد سوره صم کنند و سبت آن است
 که در حالت اقامت و اطمینان در فجر و ظهر و اطل مفصل خوانند آن
 سوره حجرات تا سوره بروج و در عصر و عشا اوسط مفصل از بروج
 تا لم یکن و در مغرب قصار مفصل از لم یکن تا آخر قرآن لیکن اینچنین لازم
 گرفتن سون نیست گاهی پیغمبر صلی الله علیه و سلم در فجر مؤذنین خوانده
 و گاهی در مغرب سوره طور و نجم و و الحمد لله خوانده و اگر مقتدی آن
 فارغ و راعب در طول قیام باشند و اباشد که قرائه طویل خواند
 ابو بکر صدیق رضی الله عنه در نماز فجر در یک رکعت سوره البقره خوانده
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم در دو رکعت مغرب سوره اعراف خوانده
 عثمان رضی الله عنه در نماز فجر اکثر سوره یوسف میخواند لیکن عاصی
 حاکم مقتدی آن ضرورت معاوین جبل رضی الله عنه نماز عشا سوره یسرا
 یک مقتدی پیغمبر صلی الله علیه و سلم شکایت کرد پیغمبر صلی الله علیه و سلم

و انظر الى احكام زمان قریح باین گونه
 مقتدی که قرائه مقتدی نماز فجر
 که وقت نماز است و امام
 و اگر امام مقتدی را کاری صوفی
 در پیش باشد چنانچه صوفی ثابت
 کشیده که رسول خدا صلی الله علیه و سلم
 با او نماز کرد و یک رکعت مقتدی در
 نماز فجر میخواند و مقتدی در وقت

فرمودای معاذ مکر تو در فتنه و با او مصیبت می اندازی مثل شیخ اسم
 و دانشمندان بخوان غرض که رعایت حال مقتدیان ائمه است
 و در نماز صبح روز جمعه پیغمبر صلی الله علیه و سلم سوره الم سجده و سوره
 خوانده و مقتدی می بایست باشد و متوجه بقبر است امام و در نماز نوافل
 بر آیه ترغیب و ترهیب دعا و استغفار و توبه از دوزخ و در وقت
 بهشت مسنون است چنین از قرات فارغ شود تکبیر کویان بر کوع رود
 و وقت رفتن بر کوع و سر برداشتن از آن رفیع بدین نزدایی خیفه است
 نیست لیکن اکثر فقها و محدثین اثبات آن می کنند و در رکوع هر دو روز
 بهر دو دست تکبیر و انگشتان انگشاوره دارد و سر و دست را باین
 برابر کند و هر قدر که در قیام درنگ کرده باشد مناسب آن در رکوع
 درنگ کند و سبحان بلی العظیم می گفته باشد و رعایت وتر کند
 و ادنی تسنون سه بار است و مقتدی بعد امام بر کوع و سجود رود
 مقتدی از امام در ارکان حرام است بپیر امام سر بردارد و مقتدی
 بعد از آن دو وقت سر برداشتن نزد امام اعظم امام جمیع الله علیه و سلم
 گوید و مقتدی بپایان آید و منفرد هر دو و نزد صاحبین امام جمیع
 نمایان هر دو بپیر تکبیر کویان بسجود و اول هر دو زانو بپیر هر دو دست
 بنهد بپیر منی و پیشانی میان هر دو دست و انگشتان دست ختم کرده

بپیر امام مقتدیان
 بپیر امام مقتدیان
 بپیر امام مقتدیان

بپیر امام مقتدیان
 بپیر امام مقتدیان
 بپیر امام مقتدیان

بپیر امام مقتدیان
 بپیر امام مقتدیان
 بپیر امام مقتدیان

بپیر امام مقتدیان
 بپیر امام مقتدیان
 بپیر امام مقتدیان

همچنانکه در وقت تحریر روی میان هر دو دست می باشد

نه نزد ابی حنیفه و شافعی و در رکعت ثالث و رابع فقط سوره فاتحه یا بسمله
آهسته بخواند چون از رکعات فارغ شود عقده اخیره کند مثل اولی و بعد
تسبیح و ران درود بخواند **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ**
إِلْحَ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبِرِّ و عا بخواند مشابه الفاظ **وَأَدْعِي مَا تَوَرَّه** اولی است بخصوص این دعا **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ**
عَذَابِ جَهَنَّمَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْحَيَاةِ
وَالْمَمَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ
و زین فی هر دو جنبه بر سرین چپ نشیند و هر دو پای از جانب
راست بیرون آرد و سلام گوید و دو جانب منفرذ دست کند ملائکه را
و امام مقتدیان آنطرف **یا ملائکه** را مقتدی امام و قوم و ملائکه را و بگوید
که نماز بخشور و خشوع گزارد و نظر بسجده دارد و بعد سلام آیه الکرسی
بگوید و سبحان الله سی و سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبر
سی و سه بار و کلمه توحید یکبار بخواند **فصل در بیان**
در نماز اگر در نماز حدث لاحق شود وضو کند و بر همان نماز بنا کند
و اگر منفرذ باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است و اگر امام باشد
خلیفه گیرد و وضو کند و داخل مقتدیان شود و مقتدی وضو کرده

نه نوزده ای خیفه و شافعی و در رکعت ثالث و رابع فقط سوره فاتحه با بسمله
 آهسته بخواند چون از رکعات فارغ شود و بعد از آن سوره اخیره کند مثل اولی و بعد
 تشهد و ران درود بخواند **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ**
الْحَ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَ بَسْمِ و دعا بخواند مثابه الفاظ قرآن
 و ادعیه ما توره اولی است بخصوص این دعا **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ**
عَذَابِ جَهَنَّمَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا
وَالْمَمَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَخَافِ
 و زین فدیهر و وجله بر سرین چپ بنشیند و هر دو پای از جانب
 راست بیرون آرد و سلام گوید هر دو جانب منفردت کند ملائکه را
 و امام مقتدیان آن طرف را ملائکه را و مقتدی امام و قوم و ملائکه را و باید
 که نماز بخشود و خشوع گزارد و نظر بسجده نگاه دارد و بعد سلام به الکرکی
 یکبار و سبحان الله سی و سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبر
 سی و چهار بار و کلمه توحید یکبار بخواند **فصل در بیان**
در نماز اگر در نماز حدث لاحق شود و وضو کند و بر همان نماز بنا کند
و اگر منفرد باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است و اگر امام باشد
خلیفه گیرد و وضو کند و داخل وقت بیاورد و مقتدی وضو کرده

باز آید مکانیکه از آنجا رفته بود و درین عرصه آنچه امام خوانده است اول آنرا
بدون قرائت ادا کند و با امام شریک شود و اگر امام از نماز قلع شده
ست مفیدی بخارست اگر خواند مکان اول باز آید و اگر خواهد جایگه
وضو کرده همانجا نماز تمام کند و اگر عداوت کند نماز فاسد شود و بنا
جائز نباشد و اگر در نماز مجنون شد یا احلام کرد یا قهقهه کرد یا سخنان
بیان نماز بر وی افتاد یا زخمی بوی رسید یا گویان حدث ^{یا هر چه باشد} ^{در نوم یا بنگار یا بنگار یا بنگار} ^{یا هر چه باشد} ^{یا هر چه باشد}
یا تا مسجداً از حد صفوف برآمدست ظاهر شد که حدث شده بود نماز
فاسد شود و بنا جایز نباشد و اگر از مسجد یا صفوف خارج
نیاکند و اگر بعد شد حدث او را لاحق شد وضو کند و سلام دهد و اگر
بعد شد حدث کرد و نزد امام اعظم نمازش تمام شد و اگر در نماز
تیمم کننده رباب قار شد یا امی سوختی آموخت یا برنج بر پا چاق
شد یا اشاره کننده بر رکوع و سجود قار شد یا در سجده موزه
تمام شد یا موزه بعمل قلیل از پا کشید یا صاحب ترتیب را نماز
قائمید یا داند یا قار می را خلیفه گرفت یا آفتاب در نماز فخر طلوع کرد
یا وقت ظهر و نجالت از نماز جمعه برآمد یا صاحب عذر مثل سلس البول
و مانند آنرا عذر دور شد یا حبیبه زخم از بدن زخم برخت
درین صورتها بجهت فرض بودن خروج مصلی بفعل خود نماز نزد امام

در وقت نماز اگر کسی از صفوف خارج شود و اگر در وقت نماز کسی از صفوف خارج شود و اگر در وقت نماز کسی از صفوف خارج شود

نماز کسی که در وقت نماز از صفوف خارج شود و اگر در وقت نماز کسی از صفوف خارج شود و اگر در وقت نماز کسی از صفوف خارج شود

در وقت نماز اگر کسی از صفوف خارج شود و اگر در وقت نماز کسی از صفوف خارج شود و اگر در وقت نماز کسی از صفوف خارج شود

باطل شد و نزد صاحبین باطل نشد **مسئله** اگر امام را حدث شد و
مُسَبِّق را خلیفه گرفت مُسَبِّق نماز امام را تمام کند پسر خلیفه کند **مسئله**
تا سلام دهد با قوم بعد از آن مسَبِّق ایستاده شود و نماز خود تمام کند
مسئله اگر در رکوع یا سجده حدث لاحق شود چون پنا کند آن رکوع
و سجده را اعاده کند و اگر در رکوع و سجده و یا در رکعت یک سجده از بعثت
اولی فوت شده بود یا سجده مُلَاوِت فوت شده بود آن سجده را قصدا
کند و اعاده این سجده مستحب است و اجنبیت و اگر امام را حدث
شد و مقتدی بگیرد است همان مرد بلا تعین خلیفه می شود و اگر مقتدی یکی
یا یک طفل است نماز مرد و فاسد شود و در روایتی نماز امام فاسد
نشد اگر زن و طفل را خلیفه کرده باشد **مسئله** اگر امام از قرة بند
او را خلیفه گرفتن جائز نیست اگر کما یجوز فی الصلوة نخونده باشد **مسئله**
اگر شخصی امام را در نماز دریا بدید چاکه امام را دریا بدید در میان رکن دخل
شود اگر رکوع یافت رکعت یافت و الا رکعت نیافت پس هرگاه امام نماز
خود تمام کند مسَبِّق بعد فراغ امام آنچه فوت شده آن نماز خود بخواند
و نماز مسَبِّق در حق قرائت حکم اول نماز دارد و در حق قعود حکم آخر نماز
دارد **مسئله** پس مسَبِّق نماز خواندن جائز نیست نزد ابی حنیفه
بگوید آنکه شافعی او را جایز میدارد **مسئله** اگر مُضَلّی بعد و رکعت

[illegible][illegible]

بفراموشی برای رکعت ثالث برخاست و قعدۀ اولی نکرد پس تا که قریب
 قعود است بنشیند و سجده سهو واجب بشود و اگر نزدیک قیامت
 استاده شود و از باز نشستن او نماز فاسد شود و نیز بعضی و سجده سهو کند
 و اگر بعد چهار رکعت برخاست تا که رکعت پنجم را سجده نکرده است
 بنشیند و قعدۀ اخیرۀ کرده سلام دهد و سجده سهو کند و اگر رکعت
 پنجم را سجده کرده نماز فرض او باطل شد اگر خواهد رکعت ششم کرد سلام
 دهد و سجده سهو کند و اگر خواهد رکعت ششم نکرده نماز پنجگانه اخیر کند
 و سلام دهد در صورت چهار رکعت نفل شد و یک رکعت باطل
 گشت **فصل در قضا** نماز و قیمة اگر نماز را وقت فوت شد قضا کند
 یا اذان و اقامت مانند او پس اگر جماعت خواند در نماز جبری بفرمان
 واجب است و اگر تنها خواند شرا قرات بخواند **مسئله** ترتیب
 در قیامت و وقتیه فرض است و محبین در فرض و وتر که واجب است
 هم فرض است نزد امام اعظم پس اگر با وجودیکه فائیه یا و یا شد وقتیه
 بخواند نماز و قیمة فاسد شود پس اگر قضا کرد فائیه را پیش از او کرد آن
 وقتیه ثانیه نماز و قیمة اولی باطل شد فرضیه او و اگر پیش از قضا
 کرد آن فائیه پنج وقتیه او اگر دان وقتیات صحیح شنید نزد امام اعظم
 بنزد صاحبین **مسئله** اگر عشا بفراموشی بی وضو خواند رکعت

حکایت شده است
 که در این باب
 بعضی از شیخین
 بعد از چهار رکعت
 بنشینند و قعدۀ
 اخیرۀ کرده سلام
 دهند و سجده سهو
 کنند و اگر رکعت
 پنجم را سجده کرده
 نماز فرض او باطل
 شد اگر خواهد رکعت
 ششم کرد سلام
 دهد و سجده سهو
 کند و اگر خواهد
 رکعت ششم نکرده
 نماز پنجگانه اخیر
 کند و سلام دهد

این در صورتی است
 که نماز را در وقت
 قضا خواند و اگر
 در وقت فرض خواند
 و در وقت قضا
 خواند و در وقت
 فرض خواند و در
 وقت قضا خواند

اعتقاد میکنم
رای منصفی این را

۱۰ کمالی و دیندار
۱۱ شکر و سپاس
۱۲ مصلحت و سود
۱۳ در دنیا و آخرت
۱۴ در علم و ادب
۱۵ در اخلاق و عبادت
۱۶ در سیاست و اقتصاد
۱۷ در تاریخ و جغرافیا
۱۸ در فلسفه و منطق
۱۹ در طب و داروسازی
۲۰ در هنر و صنعت

۱۱ است
 یعنی از دست
 آنجا پیش از این حالت و وقت
 پس در آن وقت از ایامی که قبلاً
 است که در ایامی که قبلاً
 ۱۲ است
 نشان شود
 ۱۳ است
 ۱۴ است
 ۱۵ است
 ۱۶ است
 ۱۷ است
 ۱۸ است
 ۱۹ است
 ۲۰ است
 ۲۱ است
 ۲۲ است
 ۲۳ است
 ۲۴ است
 ۲۵ است
 ۲۶ است
 ۲۷ است
 ۲۸ است
 ۲۹ است
 ۳۰ است
 ۳۱ است
 ۳۲ است
 ۳۳ است
 ۳۴ است
 ۳۵ است
 ۳۶ است
 ۳۷ است
 ۳۸ است
 ۳۹ است
 ۴۰ است
 ۴۱ است
 ۴۲ است
 ۴۳ است
 ۴۴ است
 ۴۵ است
 ۴۶ است
 ۴۷ است
 ۴۸ است
 ۴۹ است
 ۵۰ است
 ۵۱ است
 ۵۲ است
 ۵۳ است
 ۵۴ است
 ۵۵ است
 ۵۶ است
 ۵۷ است
 ۵۸ است
 ۵۹ است
 ۶۰ است
 ۶۱ است
 ۶۲ است
 ۶۳ است
 ۶۴ است
 ۶۵ است
 ۶۶ است
 ۶۷ است
 ۶۸ است
 ۶۹ است
 ۷۰ است
 ۷۱ است
 ۷۲ است
 ۷۳ است
 ۷۴ است
 ۷۵ است
 ۷۶ است
 ۷۷ است
 ۷۸ است
 ۷۹ است
 ۸۰ است
 ۸۱ است
 ۸۲ است
 ۸۳ است
 ۸۴ است
 ۸۵ است
 ۸۶ است
 ۸۷ است
 ۸۸ است
 ۸۹ است
 ۹۰ است
 ۹۱ است
 ۹۲ است
 ۹۳ است
 ۹۴ است
 ۹۵ است
 ۹۶ است
 ۹۷ است
 ۹۸ است
 ۹۹ است
 ۱۰۰ است

بود نمازی دیگر شروع کرد و تکبیر نماز اول باطل شد و اگر در همان نماز باز شروع کرد
تکبیر نماز اول باطل نشود و اگر طعمای که در دندان بود از زبان برآورده خورد اگر
کم از نحو دست نماز فاسد نشود و اگر بعد از نحو دست نماز فاسد شود و اگر در کوفتی
نظر کرد و معشیت فمید نماز فاسد نشود و اگر بر زمین یا بر دوکان نماز میخواند و از پیش او
کسی گذشت نماز فاسد نشود و اگر چه کهنه زن باشد یا هر یک لیکن اگر عاقلی
گذشت نه کهنه کهنه عاقلی شود مگر وقتیکه دوکان بلند باشد که در آن وقت عاقلی
مصلی نشود و سنت آنست که مصلی پیش خود و صحرا و سر راه شتره قائم کند بطول
یک ذراع و بر سر یک انگشت و قرب خود و مقابل ابروی راست یا چپ کند نهادن
و خط کشیدن فائده ندارد و شتره امام قوم را کفایت می کند و کهنه را اگر شتره نباشد
مصلی از گذشتن دفع کند یا شتره یا شیخ نه بهر دو مسئله اگر نماز کند بر پاچه
دو نه که استر آن نجس باشد اگر آن دو نه محض نجس نباشد نماز صحیح باشد و اگر محض نجس نباشد
صحیح نباشد و اگر بر پاچه کهنه اند نماز بخواند که طریقت از آن نجس باشد نماز روا باشد
از حرکت دادن طرف دیگر طرف متحرک شود یا نشود و اگر پاچه دراز باشد طریقتی از آن
پوشیده نماز گزار و طرفی دیگر نجس بر زمین باشد اگر از حرکت مصلی طرف پاچه نجس
متحرک میشود نماز رواست و اگر متحرک نمی شود روا باشد مسئله مکرره است عفت کردن
در نماز بر پاچه بدن اگر عمل قلیل باشد و اگر عمل شریعت مفید است و سنگیزه از موضع سجده
بکسو کردن مکرر صورتیکه سجده ممکن نباشد بکبار یا دو یا سنگیزه دفع کند و مکرره است

۱۱ یعنی اگر پشت
۱۲ چنان نماز شود که در وقت
۱۳ و اگر از غایت زبان آورد و در بدو
۱۴ صحت نماز باطل نشود
۱۵ که باز روایت نموده و فرموده است
۱۶ صلی الله علیه و آله که اگر در نماز
۱۷ بدست از تنه استاده اند چنانچه
۱۸ دست و صورت و چشم و گوش
۱۹ بگردانند و در آن
۲۰ کوبان افضل است و اگر بکوبان
۲۱ هم جایز است لیکن افضل است
۲۲ ای نماز شتره و شیخ و در وقت
۲۳ زن پشت بر دست بکوبد و در
۲۴ قیاس فتنه و در وقت بکوبد و در
۲۵ مکرره است اگر چه نماز فاسد نشود
۲۶ و چنان نماز بر پاچه بکوبد
۲۷ اگر در بطن آن طاهر نشود
۲۸ اگر در بطن آن نجس باشد
۲۹ اگر در بطن آن نجس باشد
۳۰ نجس بر بدن مصلی
۳۱ نه اگر در بطن آن نجس باشد
۳۲ میان مکرره است نماز

در وقت نماز اگر کسی را در وقت نماز خواب آید و بیدار نشود و در سجده یا رکوع یا در ایستادن خواب آید و بیدار نشود و در ایستادن خواب آید و بیدار نشود

در وقت نماز اگر کسی را در وقت نماز خواب آید و بیدار نشود و در سجده یا رکوع یا در ایستادن خواب آید و بیدار نشود و در ایستادن خواب آید و بیدار نشود

در وقت نماز اگر کسی را در وقت نماز خواب آید و بیدار نشود و در سجده یا رکوع یا در ایستادن خواب آید و بیدار نشود و در ایستادن خواب آید و بیدار نشود

و مانند آن مضائقه دارد و همچنین تصویر کشیده و قتل مار و کژدم و رنار و کرم
 نیست و نه آنکه امام در سجده باشد و سجده در طایف سجده کند و نیز کز و نه
 نماز خواندن بطرف پشت مردی که نمیکنند و بسوی مصحف یا شمشیر آویخته
باب سومی شمع یا چراغ فصل در بیان نماز مریض
 اگر مریض قدرت بر قیام نداشته باشد یا خوف زیادت مرض بود نماز
 نشسته گزارد و رکوع و سجود بجا آورد و اگر قدرت بر رکوع و سجود نداشته باشد
 و قدرت بر قیام داشته باشد نزد امام اعظم متقی بر آن است که نشسته نماز
 گزارد و او را بهتر است از ایستاده گزاردن پس نشسته نماز گزارد و اشارات
 رکوع و سجود و بیکند و اشارت سجود و سبب ترک رکوع و اگر استیفاء و نماز
 گزارد و اشارت کند هم جائز نیست و نزد فقیه با وجود قدرت بر قیام قیام
 ترک نکند و اگر قدرت بر قیام و رکوع و سجود داشته باشد نشسته نماز گزارد
 و اشارت کند و اگر قدرت نشستن هم نداشته باشد بر فضا نماز گزارد
 و هر دو پای سومی قبله کند یا بر پهلوی و روی سومی قبله کند و اشاره
 کند سر و اگر اشاره نسبی برای رکوع و سجود ممکن نباشد نماز موقوف
 دارد تا که قدرت ایما حاصل شود و اگر درین عرصه ببرد عاصی نباشد و اگر
 در میان نماز بجا شد حسب مقتضای وقت و رکوع نماز تمام کند و اگر مریض نماز نشسته
 نمی کرد با رکوع و سجود و در میان نماز قادر شد بر قیام ایستاده شود و همان نماز بجا

در وقت نماز اگر کسی را در وقت نماز خواب آید و بیدار نشود و در سجده یا رکوع یا در ایستادن خواب آید و بیدار نشود و در ایستادن خواب آید و بیدار نشود

در وقت نماز اگر کسی را در وقت نماز خواب آید و بیدار نشود و در سجده یا رکوع یا در ایستادن خواب آید و بیدار نشود و در ایستادن خواب آید و بیدار نشود

در وقت نماز اگر کسی را در وقت نماز خواب آید و بیدار نشود و در سجده یا رکوع یا در ایستادن خواب آید و بیدار نشود و در ایستادن خواب آید و بیدار نشود

خوانده سلام و دو مقدمه می بقیم بر خاسته چهار رکعت تمام کند و وطن اصلی مال
 شود و بطن اصلی نه بسفرونه بطن اقامت و وطن اقامت هم بطن اقامت
 باطل شود و هم بطن اصلی و هم بسفرونه فائمه حضرت را در سفر چهار رکعت گزارد و
 سفر را در حضر دو رکعت گزارد **مسئله** در سفر مصیبت نزدائمه حضرت را
 نباشد و نزد امام اعظم روایت اقرار روز و وجوب است قصر نماز و روایت اقا
 و سفر اعتبار نیست متبوع است یعنی امیر و سید و مؤمن نه تلمذ تابع یعنی لشکری
 و عبد و زوج و فصل در نماز جمعه **فصل** در نماز جمعه و حجت او نمی جمعه و بقوط ظهر از مصلی
 جمعه شش خبر بشرط است که می مضرت یعنی شهر که در آن حاکم و قاضی باشد یا نواح
 مصر که برای حجاج اهل مصر میباشد پس نزد امام اعظم در دیهات جمعه خواندن
 نیست و نزد شافعی و اکثرائمه در دیهات جمعه جائز است و در نواح مصر
 جائز نیست دوم حضور پادشاه یا نائب او **فصل** در وقت چهار خطبه حضرت
 ابی حنیفه مقدار یک سبج گفت می کند و نزد صاحبین و روایت آنست که ذکر
 طویل باشد و دو خطبه خواندن مثل بر جمد و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت
 بر مسلمانان و استغفار بر نفس خود برایی مسلمانان سنت است و ترکان
 مکروه و جمیع جماعت و آن نزد شافعی و احمد چهل کس می باید و نزد ابی حنیفه نسیه کس می
 امام و نزد ابی یوسف و کس سوا می امام اگر دیهات یا نماز مردم جماعت مکروه
 جمعه امام و هم باقی مانده فائمه شود و ظهر از سر که و ششم اذن عام **مسئله**

حجت او نمی جمعه و بقوط ظهر از مصلی
 جمعه شش خبر بشرط است که می مضرت یعنی شهر که در آن حاکم و قاضی باشد یا نواح
 مصر که برای حجاج اهل مصر میباشد پس نزد امام اعظم در دیهات جمعه خواندن
 نیست و نزد شافعی و اکثرائمه در دیهات جمعه جائز است و در نواح مصر
 جائز نیست دوم حضور پادشاه یا نائب او **فصل** در وقت چهار خطبه حضرت
 ابی حنیفه مقدار یک سبج گفت می کند و نزد صاحبین و روایت آنست که ذکر
 طویل باشد و دو خطبه خواندن مثل بر جمد و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت
 بر مسلمانان و استغفار بر نفس خود برایی مسلمانان سنت است و ترکان
 مکروه و جمیع جماعت و آن نزد شافعی و احمد چهل کس می باید و نزد ابی حنیفه نسیه کس می
 امام و نزد ابی یوسف و کس سوا می امام اگر دیهات یا نماز مردم جماعت مکروه
 جمعه امام و هم باقی مانده فائمه شود و ظهر از سر که و ششم اذن عام **مسئله**

و در وقت چهار خطبه حضرت
 ابی حنیفه مقدار یک سبج گفت می کند و نزد صاحبین و روایت آنست که ذکر
 طویل باشد و دو خطبه خواندن مثل بر جمد و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت
 بر مسلمانان و استغفار بر نفس خود برایی مسلمانان سنت است و ترکان
 مکروه و جمیع جماعت و آن نزد شافعی و احمد چهل کس می باید و نزد ابی حنیفه نسیه کس می
 امام و نزد ابی یوسف و کس سوا می امام اگر دیهات یا نماز مردم جماعت مکروه
 جمعه امام و هم باقی مانده فائمه شود و ظهر از سر که و ششم اذن عام **مسئله**

نماز جمعه بر طفل و بنده و زن و مسافر و مریض واجب نیست و همچنین بر نابینا
 نزد امام اعظم اگر چه او را قائلند میسر شود و نیز در آئینه نشسته اگر قائلند میسر شود و جمعه
 بر نابینا واجب باشد و الا نه و بر بنده نزد احمد جمعه واجب است **مسئله**
 اگر بنده یا زن یا مریض یا مسافر نماز جمعه بگذراند او اشود و طهر ساقط گردد
 و کسی که خارج مصر میباشد اگر اذان جمعه می شنود بر وی حضور جمعه لازم است
 بنده و مریض مسافر اگر چه جمعه امام گیرند و با باشد و اگر جماعت مسافر
 در مصر نماز جمعه بگذراند و کسی نباشد نزد امام اعظم جمعه صحیح است و نزد
 ساقی واجب تا که چهل کس مقیم حریج نباشد جمعه روا نباشد **مسئله** غیر معتد
 اگر پیش از جمعه بگذراند او اشود و با اگر است تحریم ستر اگر برای جمعه سعی کرد و امام
 میخواند از جمعه فارغ نشده است ظهر باطل شد پس اگر جمعه را یافت بهتر و الا ظهر یا ز
 گذارد و نیز جمعه اجنبین اگر جمعه غایب ظهر باطل نشود **مسئله** معتد و مریض
 روز جمعه نماز ظهر جماعت گزاردن مکروه است **مسئله** هر که امام را در جمعه
 در تشهد یا در سجود سجود ریافت و داخل نماز شد بعد سلام امام دو رکعت جمعه
 تمام کند و نزد مجاهد اگر از رکعت ثانیه رکوع نیافیه است چهار رکعت ظهر بر همان
 مستحبیه تمام کند **مسئله** چون جمعه را اذان اول گفته شود سعی واجب گردد و هیچ
 حرام نشود و چون امام بر آید برای خطبه سخن گفتن و نماز کردن ممنوع باشد تا که از
 خطبه فارغ شود و چون امام بر منبر نشیند اذان دوم و بروی او گفته شود

ببینا اگر مادر بنده باشد
 نماز جمعه باقی واجب نیست
 بشرط اذن مالک و بعضی ضعیف است

بشرط اذن مالک و در ادای نماز
 در هر دو آن خللی واقع نشود

در هر دو آن خللی واقع نشود
 در هر دو آن خللی واقع نشود

در هر دو آن خللی واقع نشود
 در هر دو آن خللی واقع نشود

در هر دو آن خللی واقع نشود
 در هر دو آن خللی واقع نشود

در هر دو آن خللی واقع نشود
 در هر دو آن خللی واقع نشود

و در نماز جمعه سوره جمع و منافقون خواندن سنون و بر و ایتی سبب است
 و این است **مسئله** در یک نهز جمعه جابا نرسد و بر و ایتی از امام
 سوای یکی جابا نرسد و مروی از ابی یوسف آن است که اگر در میان شهر
 نهز جابا نرسد و در جانب آن جمعه خواندن جابا نرسد **فصل** در نمازها
 و اجبه سوای نماز چنگانه دیگر نماز نزد اکثر ائمه و جحنیت و نه از امام اعظم نماز
 واجب است و عید الفطر و عید اضحی بخیزد واجب است و عید این است نماز
 سنت مکه ده اند و وتر سه رکعت است نزد امام اعظم یک سلام در هر رکعت
 فاسحه و سوره خواهد و بعد قرائت پیش از رکوع و رکعت سی و هفت است
 تمام سال و نزد شافعی قنوت در نصف آخر رمضان خواند و قنوت نماز
 بعد رکوع در غومنه سنون است و قنوت نماز فجر و عتبت نماز و نزد شافعی
 و شعب آن است که در رکعت اولی از وتر سبع اسم و در رکعت دوم قیل یا ایها
 و در رکعت سیوم قیل هو الله احد خواهد **مسئله** نماز عید را شرط وجوب
 و او امیل نماز جمعه است مگر آنکه خطبه در آن شرط نیست بلکه دو خطبه مثل جمعه بعد
 نماز عید ستون است در آن خطبه مناسب آن روز احکام صدقه فطر با احکام صحیح
 و تکبیرات تسبیح بیان کند **مسئله** روز عید الفطر سنت آن است که او
 چیزی بخورد و صدقه فطر دهد و سوال کند و غسل کند و جشن بگیرد و خوشبو
 کند

عنه
 بعد از این سوره
 در نماز جمعه سوره جمع و منافقون خواندن سنون و بر و ایتی سبب است
 و این است **مسئله** در یک نهز جمعه جابا نرسد و بر و ایتی از امام
 سوای یکی جابا نرسد و مروی از ابی یوسف آن است که اگر در میان شهر
 نهز جابا نرسد و در جانب آن جمعه خواندن جابا نرسد **فصل** در نمازها
 و اجبه سوای نماز چنگانه دیگر نماز نزد اکثر ائمه و جحنیت و نه از امام اعظم نماز
 واجب است و عید الفطر و عید اضحی بخیزد واجب است و عید این است نماز
 سنت مکه ده اند و وتر سه رکعت است نزد امام اعظم یک سلام در هر رکعت
 فاسحه و سوره خواهد و بعد قرائت پیش از رکوع و رکعت سی و هفت است
 تمام سال و نزد شافعی قنوت در نصف آخر رمضان خواند و قنوت نماز
 بعد رکوع در غومنه سنون است و قنوت نماز فجر و عتبت نماز و نزد شافعی
 و شعب آن است که در رکعت اولی از وتر سبع اسم و در رکعت دوم قیل یا ایها
 و در رکعت سیوم قیل هو الله احد خواهد **مسئله** نماز عید را شرط وجوب
 و او امیل نماز جمعه است مگر آنکه خطبه در آن شرط نیست بلکه دو خطبه مثل جمعه بعد
 نماز عید ستون است در آن خطبه مناسب آن روز احکام صدقه فطر با احکام صحیح
 و تکبیرات تسبیح بیان کند **مسئله** روز عید الفطر سنت آن است که او
 چیزی بخورد و صدقه فطر دهد و سوال کند و غسل کند و جشن بگیرد و خوشبو
 کند

[illegible]

استعمال کند و تکبیر کو بیان بخصی برود لیکن هر چه تکبیر نکند و چون آفتاب بلند شود
و چشم خیر کی نماید از آنوقت با پیش از زوال وقت نماز عیدین است و چون
نماز عید خواند بعد تحریر در رکعت اول سه تکبیر زوائد گوید و با هر تکبیر هر دو دست
بر دارد و بعد تکبیرات ثانی خواند و در رکعت دوم بعد قرائت پیش از رکوع
سه تکبیر زوائد گوید و با هر تکبیر هر دو دست بر دارد و تسبیح تکبیر رکوع گوید این
تکبیرات و تسبیحات ^{در روز عید} واجب است اگر فوت شود سجده سهو
لازم گردد و اگر عمدآثر کند نماز مکرر و هر چه می کرد دو نماز عیدین اگر کسی همراه
امام و یا بنا بر آنرا قضا نیست و اگر بعد از نماز عید الفطر از امام و قیوم فوت شود
بعد از آنکه او کند بعد از آن و عید اصحی تا خیر تا دو اذان و دوم جائز است
و عید اصحی مثل عید الفطر است مگر آنکه مستحب آن است که بعد از نماز از آن
خود بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و صحیح پیش از نماز جائز نیست و
تکبیر در راه منضی در عید اصحی چهار میگفته باشد ^{مسئله} تکبیرات تشریق بعد
از نماز فرض که بجای آن گذارد شود بر مقیم بمصر واجب است از صبح روز عید تا عصر
روز عید نزد امام اعظم و تا عصر تا پنج روز تمام نزد صاحبین و قیومی بر آن
و اگر زن یا مسافر اقامه بمقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود بگوید یکبار یا دو
بگوید الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر و تسبیح و اگر امام
کند تا سه مرتبه که تکبیرات و تسبیحات قبل نماز و در رکعت سوره کافرون

بسم الله الرحمن الرحيم

و اخلاص در آن خواند و پیش از نماز هر دو سجده چهار رکعت است بیک سلام و بعد
 ظهر دو رکعت است و بعد از ظهر چهار رکعت است و نزد ابی یوسف شش رکعت
 و مستحب آن است که چهار رکعت بعد از نماز و دو سلام و پیش از نماز سه رکعت
 یا چهار رکعت مستحب است و بعد از مغرب دو رکعت سنت است و بعد از آن
 شش رکعت دیگر مستحب است که آنرا صلوٰۃ الاظهرین گویند و بروایتی بعد از
 است رکعت آمده و پیش از غنا چهار رکعت مستحب است و بعد از او رکعت
 سنت است و چهار رکعت دیگر مستحب است و بعد از دو رکعت پیش از خواب
 مستحب است در رکعت اولی او از رکعت الارض و راجزه قل یا ایها الکافرون
 خواند و نماز تهجد سنت مکره است پیغمبر صلی الله علیه و سلم گاهی یک رکعت
 و اگر احتیاطاً نأفت شده دوازده رکعت در روز قضا فرموده و هر روز
 از چهار رکعت کمتر نیامده و از دوازده رکعت زیاده هم مجتنب است
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم نماز تهجد میخواند سنت نهیست
 هر که این نفس خود اعتقاد باشد و تهجد نهیست بخواند که این بهتر است
 و اگر اعتقاد نباشد پیش از خواب بخواند که احتیاط در آن است پیغمبر صلی الله علیه
 و سلم گاهی تهجد و تهجد رکعت خوانده و گاهی یک و گاهی بیازده و گاهی بیست
 و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه
 و گاهی بیازده و گاهی بی و گانه و گاهی بی چهار گانه و گاهی بی مجموع
 بیک سلام و گاهی بی و گانه بوضو میجدد و میخواند و بعد از دو رکعت

در چهار رکعت قبل از نماز
 رسول الله صلی الله علیه و سلم
 و مستحب آن است که چهار رکعت بعد از نماز و دو سلام و پیش از نماز سه رکعت
 یا چهار رکعت مستحب است و بعد از مغرب دو رکعت سنت است و بعد از آن
 شش رکعت دیگر مستحب است که آنرا صلوٰۃ الاظهرین گویند و بروایتی بعد از
 است رکعت آمده و پیش از غنا چهار رکعت مستحب است و بعد از او رکعت
 سنت است و چهار رکعت دیگر مستحب است و بعد از دو رکعت پیش از خواب
 مستحب است در رکعت اولی او از رکعت الارض و راجزه قل یا ایها الکافرون
 خواند و نماز تهجد سنت مکره است پیغمبر صلی الله علیه و سلم گاهی یک رکعت
 و اگر احتیاطاً نأفت شده دوازده رکعت در روز قضا فرموده و هر روز
 از چهار رکعت کمتر نیامده و از دوازده رکعت زیاده هم مجتنب است
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم نماز تهجد میخواند سنت نهیست
 هر که این نفس خود اعتقاد باشد و تهجد نهیست بخواند که این بهتر است
 و اگر اعتقاد نباشد پیش از خواب بخواند که احتیاط در آن است پیغمبر صلی الله علیه
 و سلم گاهی تهجد و تهجد رکعت خوانده و گاهی یک و گاهی بیازده و گاهی بیست
 و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه
 و گاهی بیازده و گاهی بی و گانه و گاهی بی چهار گانه و گاهی بی مجموع
 بیک سلام و گاهی بی و گانه بوضو میجدد و میخواند و بعد از دو رکعت

در چهار رکعت قبل از نماز
 رسول الله صلی الله علیه و سلم
 و مستحب آن است که چهار رکعت بعد از نماز و دو سلام و پیش از نماز سه رکعت
 یا چهار رکعت مستحب است و بعد از مغرب دو رکعت سنت است و بعد از آن
 شش رکعت دیگر مستحب است که آنرا صلوٰۃ الاظهرین گویند و بروایتی بعد از
 است رکعت آمده و پیش از غنا چهار رکعت مستحب است و بعد از او رکعت
 سنت است و چهار رکعت دیگر مستحب است و بعد از دو رکعت پیش از خواب
 مستحب است در رکعت اولی او از رکعت الارض و راجزه قل یا ایها الکافرون
 خواند و نماز تهجد سنت مکره است پیغمبر صلی الله علیه و سلم گاهی یک رکعت
 و اگر احتیاطاً نأفت شده دوازده رکعت در روز قضا فرموده و هر روز
 از چهار رکعت کمتر نیامده و از دوازده رکعت زیاده هم مجتنب است
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم نماز تهجد میخواند سنت نهیست
 هر که این نفس خود اعتقاد باشد و تهجد نهیست بخواند که این بهتر است
 و اگر اعتقاد نباشد پیش از خواب بخواند که احتیاط در آن است پیغمبر صلی الله علیه
 و سلم گاهی تهجد و تهجد رکعت خوانده و گاهی یک و گاهی بیازده و گاهی بیست
 و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه و گاهی بیست و نه
 و گاهی بیازده و گاهی بی و گانه و گاهی بی چهار گانه و گاهی بی مجموع
 بیک سلام و گاهی بی و گانه بوضو میجدد و میخواند و بعد از دو رکعت

سید و ۱۱
 سید و ۱۲
 سید و ۱۳
 سید و ۱۴
 سید و ۱۵
 سید و ۱۶
 سید و ۱۷
 سید و ۱۸
 سید و ۱۹
 سید و ۲۰
 سید و ۲۱
 سید و ۲۲
 سید و ۲۳
 سید و ۲۴
 سید و ۲۵
 سید و ۲۶
 سید و ۲۷
 سید و ۲۸
 سید و ۲۹
 سید و ۳۰
 سید و ۳۱
 سید و ۳۲
 سید و ۳۳
 سید و ۳۴
 سید و ۳۵
 سید و ۳۶
 سید و ۳۷
 سید و ۳۸
 سید و ۳۹
 سید و ۴۰
 سید و ۴۱
 سید و ۴۲
 سید و ۴۳
 سید و ۴۴
 سید و ۴۵
 سید و ۴۶
 سید و ۴۷
 سید و ۴۸
 سید و ۴۹
 سید و ۵۰
 سید و ۵۱
 سید و ۵۲
 سید و ۵۳
 سید و ۵۴
 سید و ۵۵
 سید و ۵۶
 سید و ۵۷
 سید و ۵۸
 سید و ۵۹
 سید و ۶۰
 سید و ۶۱
 سید و ۶۲
 سید و ۶۳
 سید و ۶۴
 سید و ۶۵
 سید و ۶۶
 سید و ۶۷
 سید و ۶۸
 سید و ۶۹
 سید و ۷۰
 سید و ۷۱
 سید و ۷۲
 سید و ۷۳
 سید و ۷۴
 سید و ۷۵
 سید و ۷۶
 سید و ۷۷
 سید و ۷۸
 سید و ۷۹
 سید و ۸۰
 سید و ۸۱
 سید و ۸۲
 سید و ۸۳
 سید و ۸۴
 سید و ۸۵
 سید و ۸۶
 سید و ۸۷
 سید و ۸۸
 سید و ۸۹
 سید و ۹۰
 سید و ۹۱
 سید و ۹۲
 سید و ۹۳
 سید و ۹۴
 سید و ۹۵
 سید و ۹۶
 سید و ۹۷
 سید و ۹۸
 سید و ۹۹
 سید و ۱۰۰

کتاب اجتماع

موت را همیشه یاد داشتن و وصیت نامه با وجب به الوصیت همراه داشتن
مستحب است و در وقت غلبه یمن بموت واجب است در حدیث است
هر که هر روز نسبت مرتبه بموت را یاد کند درجه شهادت یابد مسئله
چون مسلمان مشرف بر مرگ شود یقین^۵ شهادتین^۴ کرده شود و سوره ایس
بر سرش خوانده شود و چون بمیرد و من و چشم او پوشانده شود و در حق او

[illegible]

(Faint handwritten Persian script at the bottom of the page)

و تفکیک اراده تکفین نمایند اول لفافه بکسرت اند پس بر و از ار بعد تمحیص را و بجز بعد و طاق نموده اشغال عطر نمایند پس مرد
را بر قبض غلطانیده سر او انجیب کند راست و نصف تمحیص را با لاسی و بگرداند و جامه که برای خشک شدن بر سر نوی داشته
بود بر وی بکشند و جنوب بر سر و ورش ده مالیده طرف زار را از جانب بسیار مرده بگرداند لبعده از جانب برین او بعد
لفافه را از جانب چپ و بعد از جانب راست او اگر زن باشد سینه بند را در میان از او و لفافه در سج نمایند مرده را
در کفان نهاد و تمحیص اگر اندیده سر او و نیمه نمایند و امنی را بر سرش داشته نصف بر یک نیمه و نصف بر وی به چپند
و نیمه از دست و نیمه از چپ سینه اش بپند لبعده از او بطور معلوم به چپ لبعده سینه بند را همان طور بر لطفه را بطور مذکور چپند
این طریقه را حسب بجز الراتی از فتادی و بر نقل نموده و در بعض کتب سینه بند را بر کفهاست برین نوشته اند که کفن را
محقق باشد ۱۲ از اولیب * رکن نماز جنازه ستاده شدن است مقابل جزوی از اجزاء است حتی که اگر سر را با جامه سهوا
نمایند جائز است مگر افضل آنست که ستاده شود و امام مقابل سینه در ظاهر آمده مرده را با زین زیر که شفاعت بر ایمان او سینه محل
است این اشاره است که با لفاعت میکنیم بر ایمان و نما که تجاوز کند بحق تعاضد و او اگر ممکن شد بعد و سلیان را چپ کند
که در حدیث شریف آمده ما من غسلت میتی علی جنازه از ربعون رجلا الا شیع کون بالشیء الا شفیعهم الله فی يوم الحساب
امده حسن صلی علیه و آله صفوی غیر که لهذا گفته اند که اگر برفت کس هم میسر شوند و جفا بدینودی امام شود پس او
سکس نشان یکس و در صفت آخر ۱۲ در مختار روزا و اللیب * مسلم و نردی و نسائی ابن ماجه و ابن ابی شیبہ و غیره
بن مالک و بخاری ضرورت نموده اند که رسول الله صلی الله علیه و سلم جنازه مردی این دعا بخواند اللهم اغفر له و ارحمه و عافه
و اعف عنه و اکریم نزه و وسیع ماله و اغسله بالماء و التیم و البرد و تقیه من الخطایا کما تقی الثوب الابيض من الدنس و
ابدله و اراخرا من داره و اهلها خیرا من اهلها و رجلا خیرا من رجله و ادخله الجنة و اعذه من عذاب القبر و عذاب
النار گفت خوف تا که از رونوم که کاشکی من آن مرده می بودم ۱۲ بحر الراتی و حرثی فیه القدر * و حاکم از ابن عباس
آورده اللهم عبدک و ابن امتیک کان یشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و یشهد ان محمد عبدک و
رسولک اصبح فقیرا الی رحمتک و اصبح غنیاً عن عذاب علی من الدنیا و اهلها ان کان زکایا فزک و ان کان خطیاً
فاغفر له اللهم لا تحرمتنا اجره و لا تضلنا لبعده و ابوداؤد و نسائی از ابوهریره روایت نموده اللهم انت ربها و
انت خلقتها و انت بدینها الاسلام و انت قبضت روحها و انت اعلم بکبرها و علانیاتنا جنات شفعا فاعف عنها و اگر
مرد باشد که ۱۲ * و ابوداؤد و ابن ماجه روایت و آنکه بن الاسقع روایت نموده اللهم ان فلان بن فلان فی ذمتک
و جبل جوارک فقیر من فقره و عذاب النار و انت اهل الوفا و الحمد اللهم فاعف عنه و ارحمه انک انت الغفور الرحیم
۱۲ حرثی * و نماز جنازه و قد طلوع و غروب قیام آفتاب مکره است و اگر خدا نداده برایش لازم نیاید ۱۲ از اولیب
بر قائل نفس خود اگر چه نماز را کرده شود و در طرفین و همین است مختار که انی خزانة الروایات بحر الراتی ۱۲ از اولیب *

خبر
نفس

در فساد و غراب نوشته که اگر جنازه بر خاک است ایستاد و در پای جوی آب یا پویش پوشیده است نمازش روا
نباشد و اگر با پیش از بار آورد و بر این ایستاد نمازش روا خواهد شد بشرط طهارت ای ۱۲ زاد اللیب
مجموع کند از جنازه بی نماز و بعد نماز قبل و دفن با جازت اهل میت رواست و بعد دفن مختار است حاجت اجازت نمیشد
زاد اللیب * و اگر کسی ترک خواب کرد نمازش خوانده شد ۱۲ اداء و از آنکه بگوید که این فعل
اهل کتاب است و کلام بخیزی از امور دنیا پس جنازه کرده است که موجب قضاوت قلب است ۱۲ و مختار است جامع از
قول و عمل در قبر کرده شود اگر زمین نرم نباشد و اگر نرم باشد شق یعنی صندوقی بهتر است بلکه تابوت از چوب غیره ساختن
در اینجا که زمین نرم باشد مثل خاک را یا خوف بیرون کردن مردگان باشد بهتر است مگر باید که اگر در میت شست خام دارند
و تخمه بالای رانم که گل کنند ۱۲ زاد اللیب * و کندین قبر که از نصف قامت نباید و زیاده از آن ناقص است بهتر است
و طولش بقدر طول میت و عرض بقدر نیم قامت ۱۲ جامع از سوز شیخ عبدالحی در شرح مشکوٰه نوشته استخوانی کردن
کرده شود هر چه در قفله شهر خود پوشیده نیست که در نقل نمودن مشغول شدن است و بعضی در آن تاخیر فرم
اوست و همین وجه برای کرامت کافیت و در فساد و غراب نوشته که خبر در بخواب اهل خیر ساخته شود که موجب منفعت
و برکت است و نیز از آنست که در جوی سکونت خود دفن کرده شود که این سنت انبیاء است خاصه و اگر وصیت نمود
مرد که دفن کرده شود در جوی خود پس صیت او باطل است زیرا که در وصیت او قیاس نیست نه او را نه را حق کسی از
مسلمانان و در عقیده اهل البین گفته بهتر است که متوفی دفن او شوند کسانیکه متوفی غسل او شده باشند و دفن او
غراب گفته سزاوار است که دفن کنندگان فرشتگان است و اعیان و صالحان باشند و در بحر الرائق گفته که
دور محرم بهتر است از همه برای دفن زن و دور محرم غیر محرم بهتر است از اجنبی و اگر نباشد پس پارسا ترین محله در قبر
در آید و در فساد و غراب نوشته که جفت و طاق در دفن کنندگان برابر است و در قبر پهلوی است متوجه قبله نیست
و شست خام زیر سیروی گذارند و کرده های کفن بکشایند و بعد نهادن در قبر و شش کشادن جنازه است و بعد دفن قبر
را کشادن لی آنکه در زمین معصوم دفن کرده باشند یا چیز محلو کسی در آن مانده باشد کرده تحریمی است و در بحر الرائق
گفته که خشت پنجه و تخمه در قبر نمودن مکروه است که اینها برای استحکام عمارت اند و قبر مقام نهکی است و هیچ نوشته
که خشتها و قبر متصل بدن میت می باشند و او را این منافع نیست و در مجمع البحرین و در مختار که اگر است خشتها
را متقیه بآن صورت نموده که زمین سخت باشد و تخمه متصل بدن میت باشد و اگر بالایی او باشد یا زمین نرم باشد
و تیار نمودن تابوت برای میت حاجت افد کرده نیست مگر سبب آنست که زیارت فرشتگان نمایند و گوی
نشت های خام بدارند و تخمه های بالایی را که گل نمایند و در شش دفن نمودن منکر نیست چنانکه حضرت فاطمه زهرا
رضی الله عندها بود که صدیق را در شب مدفون شده اند و نشان دادن تلاوت کنندگان نزد قبر هم کرده نیست پس است

مختار ۱۲ در مختار * و همان خاک که از قبر بر آمده است قبر را درست سازند زیاده از آن تریاک نمودن مکرر ۱۵
 ۱۶ در مختار * و مختار آنست که هر گاه نودن بر قبر مکرر نیست ۱۲ جامع الرموز * و در بحر الرائق گفته که در خاوی ظهیر
 تصریح نموده بود که نودن قبر و در محبتی با محتاج آن و قبر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و صاحبین او برابر است
 و مستحب ۱۲ از اول اللیب * و شیخ عبدالحق در شرح مشکوٰه گفته که در پیش از بر قبر نفل است نزول رحمت و شسته
 شدن کنکمان است و این از عذاب کور و خراب شدن او ۱۲ از اول اللیب * و حیرة الفقهاء نوشته که کما حق الله
 که بر ایشانند و خرقه حیض خون فصد و غیره و دندان بچه و ان یعنی پوستی که لعل در پیدا میشود پوست بدن و چوب
 که از آدمی در حیات او جدا شود و برادر خاک دفن کنند که سنون است ۱۲ از اول اللیب * صبی که از شکم مادر مرده بر او غسل
 داده شود و نام وی نهاده شود و در پاره ثوب پیچیده و دفن نمایند و نماز بروی بخوانند همین است مذہب صحیح و برین است
 فتوی و در بطائر الروایت غسل و تعمیه هر دو کنند ۱۲ در مختار و در پاره * و مستحب حمل جنازه آنست که اول بالین جنازه
 بر آتاده قدم بر دوش بگذارد و در بعد از آن قدم بپاین او را بگذارد و در آخر پاین او را بر دوش بگذارد و در آخر
 آتاده قدم بر دوش بگذارد و در آخر پاین او را بر دوش بگذارد و در آخر آتاده قدم بر دوش بگذارد و در آخر پاین او را بر دوش بگذارد
 و آورنده کسی که برادر جنازه را چهل قدم چل کبابز او را آتاده خواهد شد ۱۲ در مختار * و چون جنازه را بختیاد
 قبر را بر کرده شوند باید که ولی میت و دیگر حاضران سه شست خاک بر قبر اندازند که بیدار باشد و گفته اند که چنانچه میت را
 در خاک بفرستند و بعد از دفن بر قبر اول سوره بقره خوانند آن بخواند و وقتی که از دفن فارغ شوند بر قبر استاده و بگویند
 سیت استغفار کنید و برای شیت وی در جواب منکر و نکر دعا کنند ۱۲ حسن حصین و مستحب است شستن میت با آب و سر
 برای دعا یا قرائت قرآن بعد از نماز یک در وی نه شتر و تقسیم گوشت وی ممکن شد ۱۲ در مختار * و در خزانة الجواهر
 نوشته که باید که چون در گور بنهند سوره المکات خوانده و ثوابش مرده را بخشند که این سوره نبات دهنده است از عذاب
 و در احادیث متعدده وارد شده که مداومت تلاوت تبارک الذی و سوره اتم سجده بعد نماز عشاء است از عذاب
 و اصحابانی در غیب از ابن عباس رضی روایت نمود که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم هر که بخواند بعد نماز عشاء
 در هر رکعت که بخواند بر رکعت فاتحه الکتاب از از رکعت پانزده بار آسان خواهد کرد حق تعالی سکرات موت را بروی او
 پناه خواهد بخشید از عذاب قبر و آسان خواهد کرد بروی که شستن از بل صراط ۱۲ شرح الصدور * پر شسته شمس الله
 روح از لقیق بیت بعد و دفن گفت ما حکم نمیکیم اگر ترک کند آنرا و اگر نکند منع نمیکیم ۱۲ از اول اللیب * و علی قاری
 در حقیقت گفته که در لقیق ستعارف میت بعد دفن حدیثی صحیح یا قیاسی صحیح نیست لهذا جزی و حسن حصین
 و کثر بن نموده ۱۲ * شیخ الاسلام تهریزی بنقله ابو القاسم سمرقندی گفته که هر که خواهد که نجات یابد از عذاب قبر پس
 بروی لازم است که مداومت نماید بر نماز و صدقه و تلاوت قرآن و کثر شستن و کثر سجده و کثر دعا و کثر

سیکردانند آنرا باید که پیر کینداز دروغ و خیافت و غیبت و سخن صنی و نجاست بول که اگر عذاب قبر ازین چیزهاست ۱۲
 ترجمه شرح الصدور زاد اللیب * در کفر العباد از تخفیس نقل نموده که در بسیاره خوانی اختلاف است اگر خوانند چنان
 باید خواند که یکدیگر را نشنوند ۱۲ زاد اللیب * هر که قرآن با جرات خواند سختی ثواب نه خواننده باشد و نه هر که برای وی
 خواند و اگر کسی خواند بی شرط اجرت بعد از چیزی و از ثبات میت بوی و هند مضائق نیست ۱۲ زاد اللیب طریقه محمدیه *
 و در فتاوی غراب نوشته که مستحب است که تصدق کنند از میت تا سه روز و اگر زیاده کنند بهتر است و در خزانه
 الروایات تأییدت روز نوشته و در خزانه جلالی از عین العلم روز اول قبل که شش شب بسیار تاکید نوشته و در خزانه
 الروایات نوشته که اگر چیزی نیابند دو رکعت نماز برای ایشان گزارند صاحب الناسک گفته که زیارت اموات
 روز جمعه بعد نماز بهتر است و روز شنبه تا طلوع آفتاب و روز پنجشنبه در اول روز و بعضی گفته و در آخر روز و همچنین در
 شبهای متبرکه خصوصاً لیلۃ البراءه و در از منتهی منزله مثل عشره ذیحجه و عیدین و عاشورا و شنبه عبدالحق گفته که متعارف در
 آخرین اول روز جمعه است ۱۲ زاد اللیب * در کفر العباد گفته که سیکر زیارت کند قبل از خواب خود را در هر جمعه و سهو و
 یس خوانده ثوابش بروج ایشان پنجشنبه تمامی حقوق ایشان را ادا کرده باشد که دعا و والدین را پس بر نماز پنجگانه
 و روز سازد از حقوق شان ادا شود و در فتاوی غراب گفته که تصدق به میت کل و ریاضین از نهادن آنها بر قبر بهتر است
 زاد اللیب * وصیت بضعایف نمودن مردمان روز مردان یا بعد از آن یا بعد از آن سبایع معینه کسی که قرآن برای
 ترویج روح او خواند یا تسبیح یا تهلیل خواند یا نزد قبری چهل روز یا کم یا زیاده بخواند یا وصیت نمودن با آنکه بجز قبری
 مقبره و غیر آن تیار سازند یا مبلغ نقد برای یکی ازین امور وقف نمودن مبدء عثمای منکره هستند و وقف و وصیت
 هر دو باطل اند و هر که بموضع ایستاد و کند که کس است چه جا ثواب که بران مبتنی باشد ترویج روح میت ۱۲ طریقه محمدیه *
 آنچه کرد و روضه مطهره جناب سرور انبیا حظیرة شریعت دعات بنا کرده اند پیش رسول الله صلی الله علیه و سلم بدان خویش
 کرده و نه خلفا را شنیدن و غیره بناموده اند بلکه بعد از دعات و از خد صومعه داران از پیودان یمن در مدینه منوره قیام
 ورزیدند و برسانیدن نقب مشغول شدند و قریب قبر شریف سیده بود که جناب نبوی صلی الله علیه و سلم شریف آن
 بلده مطهره را در عالم رویا آگاه فرمودند و وی ایشان را قبل رسانید و بنا بر حفظ گرد و حجره خام جناب حضرت علیه السلام
 رض خطیرة مخصوص از شریعت دعات بنا نموده چنانچه در غیب الصلوة از صلوة سحر و نقل نموده ۱۲ زاد اللیب * و در خزانه
 جلالی از ائمه رضایت نموده که بعضی مایه حق تعالی و فتنه متوجه است از سبب آنکه از بنکان خود مصیبت را در بدن او یا
 در مال او یا در اولاد او پس پیش آید آن بنده آن مصیبت را بصبر جمیل حیا میکنم که روز قیامت برای وی ترازو برپا کنند
 و قتری ششتر سازم یعنی جزای و عذاب کتاب بدیم بلکه حیا غلام داد که ما قال فی القرآن المجید انما یؤتی
 الصابرون اجرهم بغير حساب یعنی جز این نیست که صابران اجر خویش بحساب خوانند یافت

۱- حضرت علی (ع) ۲- حضرت فاطمه (ع) ۳- حضرت زین العابدین (ع) ۴- حضرت محمد باقر (ع) ۵- حضرت سید الشهدا (ع) ۶- حضرت امام جعفر صادق (ع) ۷- حضرت امام موسی کاظم (ع) ۸- حضرت امام رضا (ع) ۹- حضرت امام محمد تقی (ع) ۱۰- حضرت امام جواد (ع) ۱۱- حضرت امام حسن مجتبی (ع) ۱۲- حضرت امام حسین (ع) ۱۳- حضرت علی اکبر (ع) ۱۴- حضرت علی نقی (ع) ۱۵- حضرت علی مرتضی (ع) ۱۶- حضرت علی رضا (ع) ۱۷- حضرت علی نقی (ع) ۱۸- حضرت علی مرتضی (ع) ۱۹- حضرت علی رضا (ع) ۲۰- حضرت علی نقی (ع) ۲۱- حضرت علی مرتضی (ع) ۲۲- حضرت علی رضا (ع) ۲۳- حضرت علی نقی (ع) ۲۴- حضرت علی مرتضی (ع) ۲۵- حضرت علی رضا (ع) ۲۶- حضرت علی نقی (ع) ۲۷- حضرت علی مرتضی (ع) ۲۸- حضرت علی رضا (ع) ۲۹- حضرت علی نقی (ع) ۳۰- حضرت علی مرتضی (ع) ۳۱- حضرت علی رضا (ع) ۳۲- حضرت علی نقی (ع) ۳۳- حضرت علی مرتضی (ع) ۳۴- حضرت علی رضا (ع) ۳۵- حضرت علی نقی (ع) ۳۶- حضرت علی مرتضی (ع) ۳۷- حضرت علی رضا (ع) ۳۸- حضرت علی نقی (ع) ۳۹- حضرت علی مرتضی (ع) ۴۰- حضرت علی رضا (ع) ۴۱- حضرت علی نقی (ع) ۴۲- حضرت علی مرتضی (ع) ۴۳- حضرت علی رضا (ع) ۴۴- حضرت علی نقی (ع) ۴۵- حضرت علی مرتضی (ع) ۴۶- حضرت علی رضا (ع) ۴۷- حضرت علی نقی (ع) ۴۸- حضرت علی مرتضی (ع) ۴۹- حضرت علی رضا (ع) ۵۰- حضرت علی نقی (ع) ۵۱- حضرت علی مرتضی (ع) ۵۲- حضرت علی رضا (ع) ۵۳- حضرت علی نقی (ع) ۵۴- حضرت علی مرتضی (ع) ۵۵- حضرت علی رضا (ع) ۵۶- حضرت علی نقی (ع) ۵۷- حضرت علی مرتضی (ع) ۵۸- حضرت علی رضا (ع) ۵۹- حضرت علی نقی (ع) ۶۰- حضرت علی مرتضی (ع) ۶۱- حضرت علی رضا (ع) ۶۲- حضرت علی نقی (ع) ۶۳- حضرت علی مرتضی (ع) ۶۴- حضرت علی رضا (ع) ۶۵- حضرت علی نقی (ع) ۶۶- حضرت علی مرتضی (ع) ۶۷- حضرت علی رضا (ع) ۶۸- حضرت علی نقی (ع) ۶۹- حضرت علی مرتضی (ع) ۷۰- حضرت علی رضا (ع) ۷۱- حضرت علی نقی (ع) ۷۲- حضرت علی مرتضی (ع) ۷۳- حضرت علی رضا (ع) ۷۴- حضرت علی نقی (ع) ۷۵- حضرت علی مرتضی (ع) ۷۶- حضرت علی رضا (ع) ۷۷- حضرت علی نقی (ع) ۷۸- حضرت علی مرتضی (ع) ۷۹- حضرت علی رضا (ع) ۸۰- حضرت علی نقی (ع) ۸۱- حضرت علی مرتضی (ع) ۸۲- حضرت علی رضا (ع) ۸۳- حضرت علی نقی (ع) ۸۴- حضرت علی مرتضی (ع) ۸۵- حضرت علی رضا (ع) ۸۶- حضرت علی نقی (ع) ۸۷- حضرت علی مرتضی (ع) ۸۸- حضرت علی رضا (ع) ۸۹- حضرت علی نقی (ع) ۹۰- حضرت علی مرتضی (ع) ۹۱- حضرت علی رضا (ع) ۹۲- حضرت علی نقی (ع) ۹۳- حضرت علی مرتضی (ع) ۹۴- حضرت علی رضا (ع) ۹۵- حضرت علی نقی (ع) ۹۶- حضرت علی مرتضی (ع) ۹۷- حضرت علی رضا (ع) ۹۸- حضرت علی نقی (ع) ۹۹- حضرت علی مرتضی (ع) ۱۰۰- حضرت علی رضا (ع)

[illegible]

۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲

از کرد و سر نشاند
غبار از دندان بلند
نمایان یک دم در دو
بیاوریش و غش نیست
کجا صفت است
سایه زار در خفاست
چرخ قلم آنقدر که
چند کبریا را فریاد کند
شبدر عسل
بستر از کارگرد
بیاید

[illegible]

و نماز خوانده شود و اگر در حدیقا قصاص گشته شد شهید نیست غسل داده شود
نماز خوانده شود و اگر قاطع طریق یا با عی گشته شد غسل داده شود و نماز
بر روی بخوانده شود **فصل در مائیم** اگر زنی را شوهر فوت شود بروی تمام
کردن تا چهار ماه و ده روز ایام عدت واجب است زینت نکند و شوین
بارچه معصوم و بارچه عفرانی و استعمال خوشبو و روغن و سرمه و خائز نکند
مگر بعد از آنکه شوهر بر نیاید مگر روزانه برای ضرورت و شبانه تا بخوابد
مگر در صورتیکه بجز از خانه بدر کرده نشود یا خانه منهدم شود یا خوف کد نفیس
یا بر مال خود و اگر سوای شوهر دیگر کسی از اقربای زن فوت شود سه روز تمام
کردن جائز است و زیاده از سه روز حرام است **مسئله** غم کردن و گریستن
از چشم بر مرده جائز است و آواز بلند کردن و در گریه و نوحه کردن و گریه
چاک کردن و بوسه و رومی دست زدن حرام است اکثر عبادیت صحاح
و آلات دارند بر آنکه میت بسبب نوحه کردن اهل او عذاب کرده میشود و در
علامه قول مختلف اند و مختار نیز و فقیر آن است که اگر مرده در حالت
حیات خود بنوحه عادت داشته باشد یا بدان وصیت کرده باشد
یا بدان راضی باشد یا میداند که اهل من بر من نوحه خواهند کرد و مختار
از آن منع نکند و در میضوریها عذاب کرده شود بنوحه اهل او و الا عذاب
نکند **مسئله** و سنت است که در مصیبت **لا یشدوا لکم** را چون گوید و صبر کند

مسئله
کسی که در حدیقا قصاص گشته شد شهید نیست
و اگر در حدیقا با عی گشته شد غسل داده شود و نماز
بر روی بخوانده شود
فصل در مائیم
اگر زنی را شوهر فوت شود بروی تمام
کردن تا چهار ماه و ده روز ایام عدت واجب است
زینت نکند و شوین
بارچه معصوم و بارچه عفرانی و استعمال خوشبو و روغن و سرمه و خائز نکند
مگر بعد از آنکه شوهر بر نیاید مگر روزانه برای ضرورت و شبانه تا بخوابد
مگر در صورتیکه بجز از خانه بدر کرده نشود یا خانه منهدم شود یا خوف کد نفیس
یا بر مال خود و اگر سوای شوهر دیگر کسی از اقربای زن فوت شود سه روز تمام
کردن جائز است و زیاده از سه روز حرام است
مسئله غم کردن و گریستن
از چشم بر مرده جائز است و آواز بلند کردن و در گریه و نوحه کردن و گریه
چاک کردن و بوسه و رومی دست زدن حرام است
اکثر عبادیت صحاح و آلات دارند بر آنکه میت بسبب نوحه کردن اهل او عذاب کرده میشود
و در علامه قول مختلف اند و مختار نیز و فقیر آن است که اگر مرده در حالت حیات خود بنوحه عادت داشته باشد
یا بدان وصیت کرده باشد یا بدان راضی باشد یا میداند که اهل من بر من نوحه خواهند کرد و مختار از آن منع نکند
و در میضوریها عذاب کرده شود بنوحه اهل او و الا عذاب نکند
مسئله و سنت است که در مصیبت لا یشدوا لکم را چون گوید و صبر کند

در نماز خوانده شود و اگر در حدیقا قصاص گشته شد شهید نیست غسل داده شود و نماز بر روی بخوانده شود

فصل در مائیم
اگر زنی را شوهر فوت شود بروی تمام کردن تا چهار ماه و ده روز ایام عدت واجب است زینت نکند و شوین بارچه معصوم و بارچه عفرانی و استعمال خوشبو و روغن و سرمه و خائز نکند مگر بعد از آنکه شوهر بر نیاید مگر روزانه برای ضرورت و شبانه تا بخوابد مگر در صورتیکه بجز از خانه بدر کرده نشود یا خانه منهدم شود یا خوف کد نفیس یا بر مال خود و اگر سوای شوهر دیگر کسی از اقربای زن فوت شود سه روز تمام کردن جائز است و زیاده از سه روز حرام است

و طعام فرستادن برای اهل بیت روز مصیبت است **فصل زیارت**

قبور مردوان را جائز است نه زنان را و است آنست که در مقابر رفته

السلام علیکم یا اهل القبور من المسلمین و المؤمنین اسم لنا سلف و نحن لکم تبع و انما

انشاء الله لکم للما حیون برحم الله المستقرین بنا و المستأجرین اسئل الله لنا و لکم

الغایه نعمه الله لنا و لکم و برحم الله و ایاکم از امیر المؤمنین علی مرتضی است اینمیر

صلی الله علیه و سلم که هر که بر قبر بگذرد و قل هو الله احد یازده بار بخواند هر دو گان

بجسد موافق چهار مردگان و او را هم ثواب داده شود و از ابی هریره مرویست مرفوعا

که هر که فاتحه و اخلاص و سوره تکوین بخواند برای مردگان ثواب آن گردند

مردگان برای او شفیع باشند و از اشعریست مرفوعا که هر که سوره یس

بر بخواند بخواند آنها را تخفیف کند حق تعالی و این را ثواب بعد و آنها باشند

فائده اکثر محققان بر آنند که اگر کسی مرده را ثواب نماز یا روزه یا صدقه یا دیگر

عبادت مالی یا بدنی بخشد میرسد مسلمة سجده کردن بسوی قبر انبیا و اولیا

مطواف قبر کردن و دعا خواندن و نذر برای آنها قبول کردن حرام است

بلکه ضربای از آنها بکفر میرسد یعنی صلی الله علیه و سلم بر آنها لعنت کرده و

از آن منع فرموده **کتاب الزکوة** و گفته که قبر مراب کنید

زکون و دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی قبایل عرب بعد وفات

پیول صلی الله علیه و سلم خواستند که زکوة تذمه ابو بکر رضی الله عنه بجا

در این کتاب از حضرت امام علی علیه السلام نقل شده است که هر که بر قبر بگذرد و قل هو الله احد یازده بار بخواند هر دو گان بجسد موافق چهار مردگان و او را هم ثواب داده شود و از ابی هریره مرویست مرفوعا که هر که فاتحه و اخلاص و سوره تکوین بخواند برای مردگان ثواب آن گردند مردگان برای او شفیع باشند و از اشعریست مرفوعا که هر که سوره یس بر بخواند بخواند آنها را تخفیف کند حق تعالی و این را ثواب بعد و آنها باشند فائده اکثر محققان بر آنند که اگر کسی مرده را ثواب نماز یا روزه یا صدقه یا دیگر عبادت مالی یا بدنی بخشد میرسد مسلمة سجده کردن بسوی قبر انبیا و اولیا مطواف قبر کردن و دعا خواندن و نذر برای آنها قبول کردن حرام است بلکه ضربای از آنها بکفر میرسد یعنی صلی الله علیه و سلم بر آنها لعنت کرده و از آن منع فرموده کتاب الزکوة و گفته که قبر مراب کنید زکون و دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی قبایل عرب بعد وفات پیول صلی الله علیه و سلم خواستند که زکوة تذمه ابو بکر رضی الله عنه بجا

در این کتاب از حضرت امام علی علیه السلام نقل شده است که هر که بر قبر بگذرد و قل هو الله احد یازده بار بخواند هر دو گان بجسد موافق چهار مردگان و او را هم ثواب داده شود و از ابی هریره مرویست مرفوعا که هر که فاتحه و اخلاص و سوره تکوین بخواند برای مردگان ثواب آن گردند مردگان برای او شفیع باشند و از اشعریست مرفوعا که هر که سوره یس بر بخواند بخواند آنها را تخفیف کند حق تعالی و این را ثواب بعد و آنها باشند فائده اکثر محققان بر آنند که اگر کسی مرده را ثواب نماز یا روزه یا صدقه یا دیگر عبادت مالی یا بدنی بخشد میرسد مسلمة سجده کردن بسوی قبر انبیا و اولیا مطواف قبر کردن و دعا خواندن و نذر برای آنها قبول کردن حرام است بلکه ضربای از آنها بکفر میرسد یعنی صلی الله علیه و سلم بر آنها لعنت کرده و از آن منع فرموده کتاب الزکوة و گفته که قبر مراب کنید زکون و دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی قبایل عرب بعد وفات پیول صلی الله علیه و سلم خواستند که زکوة تذمه ابو بکر رضی الله عنه بجا

40

ذی را کہ مستقران است ۱۳

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

جی شایع ۷۵
شاه راه ۱۱

و مسائلی عاشره که بطریق و شواہع باشد مذکور نکرده شد مسئله اگر مسلمان یا ذمی
هزار زریا فقره یا آئین یا پیش یا مانند آن در صحرا یافت نیم حصه از آن گرفته شود و حد
حصه یا بنده راست اگر زمین ملک کسی نیست و اگر ملک است چهار حصه ملک را
و اگر در خانه خود یافت نزد امام اعظم و در آن جنس واجب نیست و نیز و حبس
و اگر در زمین زراعتی خود یافت و در آن دور و آیت است مسئله اگر گنجی
یا اگر در آن علامت اسلام است مثل سکه اهل اسلام آنرا حکم نقطه صحت مالکش را
نمایش کرده باید رسانید و اگر در آن علامت کفر یا بت حشمت گرفته شود و یا
یا بنده راست فصل مصرف زکوة فقیر نیست که مالک که از نصاب باشد و
مسکینی که مالک بیع نباشد و مکارمیت برای او ای مال کما نیست و بدین
که مالک نصاب نیست لکن نصاب او فاضل از دین نیست و عاری که
غیر اندر او است و سیکه مال دارد در وطن و او در سفر است بعد
چون مال همراه ندارد این صنف یک صنف را بدید یا پیشان را لیکن زکوة
دیده مال زکوة به قبول و فروع و زوج خود یا زوج خود و بنده و پدر و مادر
و ام و ولد خود بدو و غلامی که بعضی از او باشد هم بدو و کافر یا بنده و بی نام
آنها را بدو هر صدقه نقل و در بنای مسجد و کف میت و ادای قرض میت
خرجه نکند و بنده غنی و سپه صغیر غنی را بدو مسئله اگر مصرف زکوة کمان کرده
زکوة داد کسی را هر چند که غنی بود یا مسکین یا کافر یا بدین زکوة دهنده

[illegible]

مسئله وقت نیت روزه اگر آفتاب است طلوع صبح و بطول صبح نیت روزه باشد که
روزه در روزی افضل تا پیش از زوال نیت و شافعی و احمد و نزد مالک و طبع طلوع
صبح نیت نفل هم درست نیست و نزد امام اعظم نیت روزه رمضان و نذرین
و نفل تا پیش از زوال صبح است و نیت قضا و کفارت و نذر غیر معین بعد
طلوع صبح با اتفاق جائز نیست و نزد ابی ثلثه هر شی روزه رمضان را هر شب
نیت علیحدّه علیحدّه شرط است و نزد مالک برای تمام رمضان شب اول کف
نیت کافی است اگر اول شب ماه نیت شی روزه کرد و در میان رمضان
مجنون شد و بعد روزه در جنون گذشت و مفطرات صوم از او بوقوع نیامد و نزد
مالک روزه باقی او صحیح شد و نزد ابی ثلثه ایام جنون را روزه قضا کند بر اخی
نیت و اگر جنون تمام ماه رمضان را در گرفت روزه ساقط شود و قضا واجب
گردد و اگر کیساعتی در رمضان مجنون باشد افاق شد ایام گذشته را قضا کند
یک مرتبه و در حاکت ببلوغ مجنون بود یا بعد از آن مجنون شد هر شب ماه
رمضان یا ترکیم شدن شی روز شعبان روزه واجب شود و بر ابی ثلثه
ماه رمضان اگر آسمان ابری یا مانند آن دار و یک مرد یا یک زن عاقل
که نیت روزه باشد یا قیق و بر ابی شهادت نوال در چنین حال دو مرد و مرد عاقل
با کیمر و دو زن امرار عدول با لفظ شهادت شرط است و اگر نیت طلع صبا
باشد در رمضان و شوال جماع عظیم می باید مسئله اگر رمضان شهادت

[illegible]

یک کس ثابت شده باشد و رفتنی ام ماه مذکور شد افطار جائز نیست و اگر
 بشاوت دوم و ثابت شد و حتی روز گذشته افطار جائز باشد اگر چه ماه مذکور
 شد **مسئله** اگر کسی ماه رمضان یا ماه شوال حجیم خود دیده و قاضی شهادت
 دهد و در دو صورت واجب است که آنکس روزه دارد و اگر افطار کند قضا و ^{بلیل شرعی}
 سوده کفاره **مسئله** در روز شنبه یعنی بیست و نهم شعبان چون ماه مذکور شود
 و مطلع صاف نباشد روزه ندارد و اگر به نیت قفل اگر موافق افتد روز صوم
 معاف او را و الا خواص روزه دارند و عوام بعد زوال افطار میکنند ^{بیت جزئی قفل}
 اعظم و از روزه به نیت رمضان یا به نیت واجب آخر روزه دهشتن مکروه است چنان
 مکروه است به ترویج نیت که اگر رمضان باشد از رمضان است و الا از فضل
 واجب آخر و بهتر تقدیر و هر نیت که روزه دهشتن چون رمضان ثابت شود آن
 روزه نزد امام اعظم از رمضان او شود **فضل در حجیات قضا و**
کفاره اگر کسی در روزه رمضان جماع کرد یا جماع کرده باشد عدا و ^{ای در ادای او}
 یا در دبر یا خورد یا آشامید عدا یا دواء روزه او فاسد شود و بر وی
 قضا و کفاره واجب شود و برده آزاد کند و اگر مسبر نشود و دیاه پی بی
 روزه دارد که در این ایام رمضان و عیدین و نشریق نباشد و اگر در شب این
 روزه فوت شود بعد از یا بغیر عذر روزه او مسرکه و مکروه و ضرورت حیض و نفاس
 اگر افطار واقع شود مضایقه ندارد و اگر مقدور در وقت باشد باید

در روز شنبه یا بیست و نهم شعبان
 بسیار در روز آخر ماه یا از شعبان
 بیست و نهم در روز آخر ماه یا از شعبان
 و حدیث من صام یوم من غیره
 یا از شعبان مکروه است
 بیست و نهم در روز آخر ماه یا از شعبان
 بیست و نهم در روز آخر ماه یا از شعبان
 ای آنکه در وی صلح نشود
 و زمان باشد مثل آن بیست و نهم در روز آخر ماه یا از شعبان
 و غیره او روزه
 در روز شنبه یا بیست و نهم شعبان
 در روز شنبه یا بیست و نهم شعبان
 در روز شنبه یا بیست و نهم شعبان

مسکین طعام و بهر یک را مثل صدقه فطر و نذر شافعی و احمد بدون جماع کفایت
می‌جوید بنمود و از آن در روزه قضا یا کفاره یا نذر کفاره واجب نشود
بافتاق و اگر در یک رمضان دو روزه یا چند روزه فاسد کرد و بوجهیک کفاره
واجب شود اگر بعد از آن روز اول کفارت داده باشد روز ثانی را کفاره
علیه مدید و همچنین در ثالث و رابع و بعد آن و اگر روز اول کفاره نداده باشد
تا آخر رمضان برای آن یک و چند روزه یک کفاره کافی است و نذر مالک و شافعی
بر هر تقدیر چند روزه را چند کفاره می‌باید و اگر از دو در رمضان دو روزه فاسد
کرد و کفاره روز اول نداده در خصوصت بافتاق کفاره علیحد علیحد واجب
نست و اگر عیال یا باکره افطار کرد گو جماع یا حخته کرده شد یا در کوش یا
در مینی و یا چکانیده شد یا در زخم شکم یا زخم سر و یا چکانیده شد پس دوباره
یا در شکم او رسید یا بخکریزه یا آئینی یا چیزی که از جنس دوا و غذا نیست از
حل خور برد یا بقصد بر پیستن فی کرد یا بکمان شب طعام بخورد و طاهر
نکته صبح بود یا بکمان غرض افطار کرد حال آنکه غرض نسته بود یا طعام از پی
خورد و کمان کرد که روزه من فاسد شد مستر بعد خورد یا آب در حل حخته
رختیه شد یا زنی حخته یا در حالت دیوانگی یا بیوشی جماع کرده شد درین
صورتها قضا واجب شود کفاره و همچنین اگر در رمضان نیت روزه کرد
و نیت افطار در هیچ از مضافات صوم از او بوقوع نیامده قضا واجب شود

مسکین را و اگر از ایشان را
دو نفر طعام مسکین بخورد و نذر ندانند
چون عیال یا خویش را یا مسکین را یا نیت
شرعیست و اگر از مالک مسکین را یا نیت
طعام و دو نفر طعام ندانند یا نیت
باقیت آن بر روز دیگر است و اگر مسکین
صدقه یا نیت نذر یا مالک یا نیت مسکین
و بهر حساب یک یا دو نفر یا نیت
نذر حقیقی و کسبی و دو نفر یا نیت
مسکین یا نیت نذر یا مالک یا نیت
با خود خورده یا جماع در کمال شب یا نیت
صبح طاهر کرده یا نیت یا نیت
خطاب کرده یا نیت یا نیت
خورد یا نیت یا نیت یا نیت
نیت در روزی صلاح بین باشد و در روز
بویا نیت کنند و جامع از روز
در صبحی بین است که نیت آن بی نیت
در بین کمان باشد یا نیت
و همچنین اگر نیت خورد یا نیت
و او کمان شود که روز نیت یا نیت
افطار شود و اگر نیت افطار
نیت فاسدی شود افطار
لازم است و افطار

نه کفاره و اگر در رمضان نیت روزه کرد و طعام خورد و نماز عظم گفت
 و حب نشود و نذر صاحبین واجب شود و اگر روزه را فراموش کرد و در حب
 فراموشی طعام یا آب خورد یا جماع کرد و روزه فاسد نشود و قضا واجب نکرد
 و همچنین احکام و انزال بنظر شهوت و روغن بریدن مالیدن و سرمه و چشم کشیدن
 و غنبت کسی کردن و حمامت کردن و بی قصدتی آمدن اگر چه کثیر باشد و قصد
 فی آنکه که کردن و کتب و کوش چکانیدن روزه را فاسد نکند و اگر در ذکر و غیره
 یا چیزی دیگر چکانیدن نماز عظم روزه فاسد نشود و نذر آبی بوسه فاسد کرد
 و اگر با زن مرده یا چارپایه یا در غیر بیلین جماع کرد یا زن را بوسه داد یا
 بهشوت کرد اگر انزال شد روزه فاسد شود و الا فاسد نشود و اگر در دندان چسب
 طعام باقی مانده و آنرا از دست برآورده خورد روزه فاسد شود و کفاره واجب
 نشود و اگر از نوک زبان برآورده خورد اگر مقدار نحو حبش واجب نشود و اگر از
 نوک کمتر باشد فاسد نشود و اگر آنرا بخورد درین اذاخته از خلق فرو نبرد و در حب
 فاسد شود و اگر در دهان خایند فاسد نشود و فی تمیمی دین و دهن آید باز از طعام
 بقصد فرو برد روزه فاسد شود و اگر فی قلیل در دهن آمد و بی قصد فرو برد
 روزه فاسد نشود و اگر گریزی دهن بقصد فرو برد نذر آبی بوسه فاسد نشود
 نذر محمد و اگر قلیل بقصد فرو برد نذر محمد فاسد نشود و نذر آبی بوسه چشیدن
 چیزی یا خامیدن چیزی بقصد در روزه مکروه است و طعام برای طعام واجب است

[illegible]

آب را رنجیه نیم کند اگر در غلبه طین کاذب داند و هنوز نیم هر دو مکرر کند بهتر باشد و الا
وضو کند مسئله از بند و تاجر قبول ضیافت جائز نیست و اگر فتنه با چوب
زرقند یا غله بدون اجازت مولی جائز نیست مسئله منزل ضیافت
و میباید امر اخی سالم وزن رقاصه و منقبیه و ناهکه که اکثر مال او از حرام باشد
جائز نیست و اگر داند که اکثر مال او از حلال است جائز نیست فصل در لباس
و مانند آن باریچه پوشیدن بقدر استعورت و دفع سرما و
کرماء مهلک فرض است و زیاده از آن برای زینت و اطهاریت خدا
و ادای شکر مستحب است و سنون آن است که لباس اکثشت نپوشد
و دامن و از رتا نصف سابق باشد و دامن تا شتالک جائز است و فرو
از آن حرام است و شمله بقدر یک وجب به نیست مستحب است
و زیاده تکلف و در پوشاک بنا بر سحران و کبر مکروه است یا حرام و بدون
آن مباح است و معصفر و زعفران مردان را حرام است نه زنان را و بر وایت
رنگس خرد و از مطلقا مکروه است مگر محافظ مثل سوسی و پارچه که تان و بود آن را
باشد نه مان را حلال است و مردان را حرام است مگر مقدار چهار انگشت چون علم
و آنچه بود آن ابریشم باشد تا آن از نیمه یا صوف و حریر جائز است و آنچه
بود آن از نیمه است و ما را آن ابریشم مشروع است و در حال جائز است و از آن
ابریشمی خالص فرش و کتیر یا ختن جائز است نه و امام عظیم و نه و صاعین جائز

ای نقد و نقد
مهر در بارگاه
موسم
احوال
بیشتر
و کبر
پاک
تنبی
اجازت
جایز
از آن
صالح
جایز
نظم
نظم
کنا
نارای
عزیز
و عیس
بافان
در شمار

طاهر از زنا
طاهر از زنا
طاهر از زنا

مستحب است که زن از زین و نعل و کفش و دستکش و انگشتر و حلقه و سکه و زر و نقره پوشیدن جائز نیست و مرد آن
جائز نیست مگر انگشتری نفقه و کنگنه بزرگ در تکیه مسئله سبق و دمان
مشکوک است نفقه جائز نیست ^{بجز نفقته} تا زنی و نزد صاحبین تا بار زهریم جائز نیست
و انگشتری از آهن و روغن و سنگ جائز نیست مسئله باو شاه
و قاضی انگشتری برای مرد و شستن سنت است و دیگران را نیز اگر آن افضل
مسئله طعام خوردن و ظرفیکه گوشت نفقه بر آن باشد نوشتن
برای خدین کسی جائز نیست بشرطیکه از موضع نفقه احتیاط کند و نزدایی
نفقه ده سنت و از محمد و روایت مسئله طفل زیر او نباید
حریره خرام است فصل در وطی و دو اعی آن جامع کردن
پاکر من مشکو به یا ملوک خود در و بر باد در حالت حیض حرام است و لو ط
حرام است قطعی منکر حیض آن کافر است و بدین زن اجنبیا امر در
سخت بود و حرام است و تخمین دشت با جنبیه شهوت رسانیدن و زنا
حرکت نام شروع کردن و حدیث آمده که زنا می چشم نظرت و زنا
است گرفتن و زنا می قدم راه رفتن و زنا می زبان سخن گفتن است
در فرج تصدیق و مکذیب آنها می کنند مسئله نظر کردن بمورث و لری
حرام است مگر عند الضرورت بقدر ضرورت به بیند چون طبیب اخته
کننده یا قابله یا حقنه کننده و مرد را از مرد و سوای عورت و بدین

پایین زمین و ملک واقع ۱۴ در مختار

۱۳۰۰

مسیح
 موعود است که حفظند
 محمد بن باز را فرستادند
 و انوشیروانی را به شندباد
 جابر بن حسن بنی ازاد
 یکدیگر را در قزوین
 می نمودند از شکار
 کسی را که حاجت
 کردند به ۱۰
 بنی خرد و
 شندباد بن کجا
 ملحق شدند
 و در شندباد
 حرم داشتند
 و بنی خرد را از
 بنی شندباد
 جدا کردند به ۱۰

یا باطل مجهول پس اگر مشتری فسخ بیع نکند و چوب از سقف جدا کرد و در بیع
 آن ثوب یا باطل مشتری باطل کرد و بیع صحیح و لازم شد **مسئله** بیع
 بشرط فاسد فاسد است و بشرط فاسد آن بیع که مقتضای عین فاسد است
 و در آن منفعت باشد یا نه یا مشتری یا بیع را که مستحق نفع باشد
 بشرط ملک مشتری مقتضای عقد است پس فاسدیت و بشرط آنکه مشتری این جائیداد
 نفوذ شد اگر مقتضای عقد نیست لیکن در آن منفعت کسی نیست پس فاسدیت و
 بشرط آنکه این بیع را مشتری برگزید درین نفع بیع است لیکن بیع انسان نیست که
 مستحق نفع باشد پس فاسدیت چنین بشرط لغویت و بیع صحیح و بشرط
 باطل یکماه در خانه بده سکونت کند و در آن نفع باطل است بشرط فاسد
 و آنکه باطل این بار را جانم دوخته و در آن نفع مشتری نیست فاسد است
 و بشرط آنکه بیع را مشتری آزاد کند درین نفع بیع است نیز فاسد است
 از اینچنین شرط بیع فاسد شود و باید در تفصیل مسائل بیع باطل و فاسد
 در کتب فقه ازین بیوع اجتناب واجب است **مسئله** بیع
 در بیع و قرض و کراه کبریه است منکر حرمت آن کافیه است **مسئله**
 بدانکه هر بود قسم یکی ربوا نیست یعنی قدر را بر سهیل و قرض دوم ربوا
 منحل یعنی اندک را بر سهیل و قرض نزد امام اعظم اگر دو چیز یا قرض بود
 هر دو قسم ربوا حرام باشد یکی اتحاد بیع و قرض و دیگری **مسئله** قدر در عبادت
 از کسب یا وزن و اگر ازین دو چیز یکی یا قرض شود ربوا نیست هر دو قسم ربوا

در بیع و قرض و کراه کبریه است منکر حرمت آن کافیه است
 بدانکه هر بود قسم یکی ربوا نیست یعنی قدر را بر سهیل و قرض دوم ربوا
 منحل یعنی اندک را بر سهیل و قرض نزد امام اعظم اگر دو چیز یا قرض بود
 هر دو قسم ربوا حرام باشد یکی اتحاد بیع و قرض و دیگری **مسئله** قدر در عبادت
 از کسب یا وزن و اگر ازین دو چیز یکی یا قرض شود ربوا نیست هر دو قسم ربوا

عظم الشكر لله الذي جعل هذا الكتاب في يديكم
وأنتم تعلمون أن هذا الكتاب هو الذي
يكون في يديكم

چارش در ملک است
 شخص بنده بس جلالت
 صفیر بیع ایمنه
 ایشان سوی کتب
 که فریت بعضی به سوا
 والدین بر و است
 همچنین است فرج
 و رخسار
 و آن روایت است
 از ابی یوسف محمد بن
 فضیل بن عیاض بن
 مازندرانی
 که او را در سراج
 که او را در سراج
 از او است بخدا
 گرفته بیل شهر تقسیم
 که در وقت
 که او را در سراج
 باز زنده
 نصارت
 بعت نیست
 که او را در سراج
 که او را در سراج

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

برای پیش روزه چیزی مقرر کرده شود اگر از یک جانب باشد طاعت است و از
جانبین حرام است مگر آنکه یک شخص ثالث در میان آن دو باشد و اگر یکی از دو
پیش رود و آنقدر با و داده شود و اگر دو کس پیش روند هیچ ندادند
و بر این صورت از ثالث هیچ نگرفته شود و از آن دو کس هر که پیش رود از یک
بگیرد و همچنین حکم است در آنکه دو طالب علم در یک مسئله اختلاف کنند
و خواهند که با حشاد رجوع آرند و هر یک یک حکم از مواضع حکم است و اذیت
چیزی مقرر کنند مسئله و لایحه خارج است و کسیکه دعوت کرده شود
باید که قبول کند و اگر بعد از قبول بگوید من نمی دانم مسئله از طعام دعوت چیزی حکم
خود نیار و دویم بی اهل مذکر که جایز مالک و اگر داند که آنجا اهل است و
یا ضرر نشود و دعوت قبول کند و اگر بعد آمدن بگوید من نمی دانم مسئله از طعام
دعوت کرده پس اگر مقتدا باشد یا اهل طعام باشد نشیند و اگر نه نشیند
امام اعظم رحمه الله فرموده که بدان مسئله شدم پس صبر کردم یعنی حشاد از مقتدا
شدن مسئله و حرام است زیرا که باز و از طعام است از ذکر الهی
و مهمت شهوت است بسوی معاصی و اگر در حق کسی این چنین نباشد مثلاً در پیش
صاحب نفس مطمئنه که غیر از عیش و محبت الهی در سراپای میل و رغبت بود
از زبان مردی که قابل شهوت نباشد کلامی بگوید با و دعوت می نمود
و او را مانع از ذکر الهی نباشد بلکه می جان محبت الهی کند و در حق آنکه در

در این مسئله
اگر کسی را
دعوت کنند
و او بگوید
من نمی دانم
مسئله از طعام
دعوت چیزی حکم
خود نیار

در این مسئله
اگر کسی را
دعوت کنند
و او بگوید
من نمی دانم
مسئله از طعام
دعوت چیزی حکم
خود نیار

این مسئله
آواز آلات موسیقی
در میان عتبات
دل حاکم بر دانه آب
سوره اودن و ای ای
گفته شد آن آوازها
نصبت است
برای آن که
لذت بدان عتبات
نعت حق است که
اعضای شری را با
و همچنین با
در عتبات

اگر در وقت نماز باشد که کمال اتساع است و دست فرود
 نه اینجا من کنم چرا که مسنون است و اگر کسی کم و کماهی و مرا میر و طنبور و دبل و
 ساز و دف و عذره با اتفاق حرام است مگر طبل یعنی نغاره غازی یا دف
 برای اعلان کلام مسئله شعر کلام است موزون حسن و خوش است
 و قبیح او قبیح لیکن بیست ضاعت وقت و در آن مکروه است مسئله
 ریا و تمعنه در عبادت ثواب بسیار است باطل است از این جهت که ثواب است کند
 برای کسی و بدین و شنیدن مردمان و خجسته است با ثواب آن نباشد مسئله
 غیبت یعنی عیب کسی غائبانه کفین اگر چه با اتفاق نفس الامر باشد حرام است
 خواه عیب در دین او کوید یا در صورت یا در نسب یا غیر آن آنچه او را نام
 اند که غیبت ظاهر است و غیبت نهی است مگر شخص معین معلوم را کفین
 اگر اهل شهر است غیبت که غیبت است مسئله غیبت یعنی سخن یکی دیگر را
 بیانیدن که موجب باخوشی فیما بین آنها باشد نیز حرام است مسئله دشنام
 دادن و دیگری را بزر بانی یا با اشاره سر یا چشم یا دست یا مانند آن یا خندیدن
 بروی بر وجهیکه موجب تنگ حرمت او باشد حرام است پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 فرمود حرمت مال و آبروی مسلمان مثل حرمت خون او است و گفته را فرمود
 که بین مال و آبروی مسلمان مثل حرمت داده لیکن حرمت مسلمان مثل حرمت خون او
 است و آبروی او از نزد او است مسئله دروغ حرام است مگر برای صلح

کسی که در وقت نماز
 باشد که کمال اتساع
 است و دست فرود
 نه اینجا من کنم
 چرا که مسنون است
 و اگر کسی کم و کماهی
 و مرا میر و طنبور
 و دبل و ساز و دف
 و عذره با اتفاق
 حرام است مگر طبل
 یعنی نغاره غازی
 یا دف برای اعلان
 کلام مسئله شعر
 کلام است موزون
 حسن و خوش است
 و قبیح او قبیح
 لیکن بیست ضاعت
 وقت و در آن مکروه
 است مسئله ریا و
 تمعنه در عبادت
 ثواب بسیار است
 باطل است از این
 جهت که ثواب است
 کند برای کسی و
 بدین و شنیدن
 مردمان و خجسته
 است با ثواب آن
 نباشد مسئله غیبت
 یعنی عیب کسی
 غائبانه کفین اگر
 چه با اتفاق نفس
 الامر باشد حرام
 است خواه عیب در
 دین او کوید یا
 در صورت یا در
 نسب یا غیر آن
 آنچه او را نام
 اند که غیبت ظاهر
 است و غیبت نهی
 است مگر شخص
 معین معلوم را
 کفین اگر اهل شهر
 است غیبت که
 غیبت است مسئله
 غیبت یعنی سخن
 یکی دیگر را
 بیانیدن که
 موجب باخوشی
 فیما بین آنها
 باشد نیز حرام
 است مسئله
 دشنام دادن و
 دیگری را
 بزر بانی یا
 با اشاره سر
 یا چشم یا
 دست یا مانند
 آن یا خندیدن
 بروی بر وجهیکه
 موجب تنگ
 حرمت او باشد
 حرام است
 پیغمبر صلی
 الله علیه و سلم
 فرمود حرمت
 مال و آبروی
 مسلمان مثل
 حرمت خون او
 است و گفته را
 فرمود که بین
 مال و آبروی
 مسلمان مثل
 حرمت داده
 لیکن حرمت
 مسلمان مثل
 حرمت خون او
 است و آبروی
 او از نزد او
 است مسئله دروغ
 حرام است مگر
 برای صلح

برادر است که در وقت نماز
 باشد که کمال اتساع
 است و دست فرود
 نه اینجا من کنم
 چرا که مسنون است
 و اگر کسی کم و کماهی
 و مرا میر و طنبور
 و دبل و ساز و دف
 و عذره با اتفاق
 حرام است مگر طبل
 یعنی نغاره غازی
 یا دف برای اعلان
 کلام مسئله شعر
 کلام است موزون
 حسن و خوش است
 و قبیح او قبیح
 لیکن بیست ضاعت
 وقت و در آن مکروه
 است مسئله ریا و
 تمعنه در عبادت
 ثواب بسیار است
 باطل است از این
 جهت که ثواب است
 کند برای کسی و
 بدین و شنیدن
 مردمان و خجسته
 است با ثواب آن
 نباشد مسئله غیبت
 یعنی عیب کسی
 غائبانه کفین اگر
 چه با اتفاق نفس
 الامر باشد حرام
 است خواه عیب در
 دین او کوید یا
 در صورت یا در
 نسب یا غیر آن
 آنچه او را نام
 اند که غیبت ظاهر
 است و غیبت نهی
 است مگر شخص
 معین معلوم را
 کفین اگر اهل شهر
 است غیبت که
 غیبت است مسئله
 غیبت یعنی سخن
 یکی دیگر را
 بیانیدن که
 موجب باخوشی
 فیما بین آنها
 باشد نیز حرام
 است مسئله
 دشنام دادن و
 دیگری را
 بزر بانی یا
 با اشاره سر
 یا چشم یا
 دست یا مانند
 آن یا خندیدن
 بروی بر وجهیکه
 موجب تنگ
 حرمت او باشد
 حرام است
 پیغمبر صلی
 الله علیه و سلم
 فرمود حرمت
 مال و آبروی
 مسلمان مثل
 حرمت خون او
 است و گفته را
 فرمود که بین
 مال و آبروی
 مسلمان مثل
 حرمت داده
 لیکن حرمت
 مسلمان مثل
 حرمت خون او
 است و آبروی
 او از نزد او
 است مسئله دروغ
 حرام است مگر
 برای صلح

حالت باید و عمل و وزخ میکنند و وزخی میشوند شیخ سعیدی گوید
 بلیت مرا بر داناخی نیست شهاب و دو اندرز فرمود بر روی آب
 بپوشید بر خویش خود بین مباش ^{دوم آنکه بر غیر بدین مباش مسئله}
 تفاخر با شتاب حرام است و نیز کاتر مال و جاه حرام است کریم تر زود امتی تر
 مسئله بازی کردن بطریق یا زو یا چوپا یا مانند آن حرام است و اگر در آن
 مان شرب و طبا باشد بقرار با شتاب و حرام ^{شکل آنحضرت} و گناه کبیره است و شکر حرمت آن
 کار باشد و نیز لعب به برانیدن کس ^{شکل آنحضرت} یا جفا کشیدن مرغ و مانند آن حرام است
 مسئله خدمت کشا نمودن از خویش یا مکر و نهی ^{شکل آنحضرت} مسئله روی ایمن کردن دراز
 حرام است خصوص بپوشیدن ^{شکل آنحضرت} مسئله اجرت گرفتن
 بر اوقاف و امامت و تعلیم و آلت ^{شکل آنحضرت} و غیره عیالات جائز نیست نزد امام
 اعظم و نزد دیگر امامه جائز است ^{شکل آنحضرت} و درین باب قوی بر آن است که بر تسلیم قرآن
 و مانند آن اجرت گرفتن جائز نیست مسئله اجرت فوّه کننده و سرود
 و ذکر معاصی و اجرت جها نیدن جائز بر ماده حرام است مسئله قاضیان
 و مفتیان و علما و عاریان را از بیت المال رزق داده شود بقدر که کافی باشد
 بلا شرط مسئله خرّه را سفر کردن بدون محرم یا زوجه جائز نیست و کینه و اثم
 و غیره حرام است که عیالات اجرت گرفتن جائز نیست ^{شکل آنحضرت} و درختار
 را جبارت نیست و طوطی یا چینه خرّه ^{شکل آنحضرت} مسئله غلام و
 برادر که بر او عذاب پا کردن یا طوق و رکوع آنها ^{شکل آنحضرت} حرام است پیغمبر

شماره ۱۲
 شماره ۱۳
 شماره ۱۴
 شماره ۱۵
 شماره ۱۶
 شماره ۱۷
 شماره ۱۸
 شماره ۱۹
 شماره ۲۰
 شماره ۲۱
 شماره ۲۲
 شماره ۲۳
 شماره ۲۴
 شماره ۲۵
 شماره ۲۶
 شماره ۲۷
 شماره ۲۸
 شماره ۲۹
 شماره ۳۰
 شماره ۳۱
 شماره ۳۲
 شماره ۳۳
 شماره ۳۴
 شماره ۳۵
 شماره ۳۶
 شماره ۳۷
 شماره ۳۸
 شماره ۳۹
 شماره ۴۰
 شماره ۴۱
 شماره ۴۲
 شماره ۴۳
 شماره ۴۴
 شماره ۴۵
 شماره ۴۶
 شماره ۴۷
 شماره ۴۸
 شماره ۴۹
 شماره ۵۰
 شماره ۵۱
 شماره ۵۲
 شماره ۵۳
 شماره ۵۴
 شماره ۵۵
 شماره ۵۶
 شماره ۵۷
 شماره ۵۸
 شماره ۵۹
 شماره ۶۰
 شماره ۶۱
 شماره ۶۲
 شماره ۶۳
 شماره ۶۴
 شماره ۶۵
 شماره ۶۶
 شماره ۶۷
 شماره ۶۸
 شماره ۶۹
 شماره ۷۰
 شماره ۷۱
 شماره ۷۲
 شماره ۷۳
 شماره ۷۴
 شماره ۷۵
 شماره ۷۶
 شماره ۷۷
 شماره ۷۸
 شماره ۷۹
 شماره ۸۰
 شماره ۸۱
 شماره ۸۲
 شماره ۸۳
 شماره ۸۴
 شماره ۸۵
 شماره ۸۶
 شماره ۸۷
 شماره ۸۸
 شماره ۸۹
 شماره ۹۰
 شماره ۹۱
 شماره ۹۲
 شماره ۹۳
 شماره ۹۴
 شماره ۹۵
 شماره ۹۶
 شماره ۹۷
 شماره ۹۸
 شماره ۹۹
 شماره ۱۰۰

شماره ۱
 شماره ۲
 شماره ۳
 شماره ۴
 شماره ۵
 شماره ۶
 شماره ۷
 شماره ۸
 شماره ۹
 شماره ۱۰
 شماره ۱۱
 شماره ۱۲
 شماره ۱۳
 شماره ۱۴
 شماره ۱۵
 شماره ۱۶
 شماره ۱۷
 شماره ۱۸
 شماره ۱۹
 شماره ۲۰
 شماره ۲۱
 شماره ۲۲
 شماره ۲۳
 شماره ۲۴
 شماره ۲۵
 شماره ۲۶
 شماره ۲۷
 شماره ۲۸
 شماره ۲۹
 شماره ۳۰
 شماره ۳۱
 شماره ۳۲
 شماره ۳۳
 شماره ۳۴
 شماره ۳۵
 شماره ۳۶
 شماره ۳۷
 شماره ۳۸
 شماره ۳۹
 شماره ۴۰
 شماره ۴۱
 شماره ۴۲
 شماره ۴۳
 شماره ۴۴
 شماره ۴۵
 شماره ۴۶
 شماره ۴۷
 شماره ۴۸
 شماره ۴۹
 شماره ۵۰
 شماره ۵۱
 شماره ۵۲
 شماره ۵۳
 شماره ۵۴
 شماره ۵۵
 شماره ۵۶
 شماره ۵۷
 شماره ۵۸
 شماره ۵۹
 شماره ۶۰
 شماره ۶۱
 شماره ۶۲
 شماره ۶۳
 شماره ۶۴
 شماره ۶۵
 شماره ۶۶
 شماره ۶۷
 شماره ۶۸
 شماره ۶۹
 شماره ۷۰
 شماره ۷۱
 شماره ۷۲
 شماره ۷۳
 شماره ۷۴
 شماره ۷۵
 شماره ۷۶
 شماره ۷۷
 شماره ۷۸
 شماره ۷۹
 شماره ۸۰
 شماره ۸۱
 شماره ۸۲
 شماره ۸۳
 شماره ۸۴
 شماره ۸۵
 شماره ۸۶
 شماره ۸۷
 شماره ۸۸
 شماره ۸۹
 شماره ۹۰
 شماره ۹۱
 شماره ۹۲
 شماره ۹۳
 شماره ۹۴
 شماره ۹۵
 شماره ۹۶
 شماره ۹۷
 شماره ۹۸
 شماره ۹۹
 شماره ۱۰۰

صلی الله علیه وسلم در وقت وفات آخر کلام نماز و تسبیح باران را فرمود باید که ملوک خود را آنچه خود بخورد و آنچه بپوشد و آنچه بکار بری زیاده از طاقت او امر نفرماید و اگر بکاری شأن امر کند باید که خود هم شریک شود مسئله مذکور که اندیشه کرخین آن باشد زنجیر و پای او انداختن جائزست مسئله بده را از خدمت مولی کرخین حرام است مسئله تراشیدن ریش پیش از قضه حرام است و چیدن موی مفید از ریش و مانند آن مکروه است و گذاشتن ریش و تراشیدن سبک و فاضل و موی بغل و موی تنائی سبک مسئله داخل شدن مردان در زنان در حمام جائزست لیکن با پرده و از آنرا مسئله امر بپوشیدن ریش از منکرات اگر مقدر و داشته باشد از دست منع کند و اگر نتواند از زبان منع کند و اگر نتواند یا مفید ندارد و اگر در و محبت اهل منکر ترک کند اگر اعیق در هم نکند و بال آنهاست مسئله بپوشیدن ریش و بپوشیدن مسئله حب فی الله و بعض فی الله فرض است مسئله کسیکه بر روی او کند شکر او کردن و مکافات او نمودن مستحب است و اگر آن کردن و کفران نمودن معصیت است هر که شکر بنده نکرد و شکر خدا نکرد مسئله نشستن در مجلس علماء و صلحا افضل است اگر میسر شود و اگر میسر نشود عزت برتر است مسئله کثرت در دو بر پنجم صلی الله علیه وسلم مستحب است

مجلس است که خدا و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم کرده است مسئله مرد را
 شش بومان وزن از شش بومان و نیز شش کفاز وقت حرام
 مسأله قتل کردن جانور را کول الله به برای خوردن حرام است و قتل کردن
 جانور مودی جائز است مسئله حقوق مسلمان بر مسلمان شش چیز است
 رعایت مرخص و حضور جنازه و قبول دعوت و سلام و شش عاقلین
 و غیره خواهی بهم در حضور هم و به نیت مسئله باید که دو صورت دارد برای
 مسلمان آنچه که برای نفس خود و دوست دارد و مکروه دارد در حق آنها آنچه
 برای خود نه پسند مسئله رسول سلام واجب است مسئله باید که
 چهار چیز است مرتبه است اگر چه یک است و قریب آن عقاید باطله مرتبه
 و هم آنچه در آن حقوق مذکور است شود یعنی مسلم بر مال و خون و کبر
 مسلمان حق تعالی حقوقی چون کبر و بخل و حقوق مذکور نه بخشد
 بقومی نه انفس شود و این کرده که رسول علیه السلام فرمود روز قیامت منادی
 از عرش آواز دهد که ای امت محمد حق تعالی شما را مردان و زنان من
 بخشیده است اما به حقوق مذکور نه بخشید و داخل بهشت شود و طاعت کند
 بیت * مباش در پی آزار و مرجع خواهی کن به که در شریعت ما غیر از این
 کتاب نیست به یعنی کتابی برابر این کتاب نیست مرتبه سوم حقوق
 سه صفت است آنچه و احادیث کبار و ائمه چهاریم شرک و نافذی که

مسئله مرد را شش بومان وزن از شش بومان و نیز شش کفاز وقت حرام
 مسأله قتل کردن جانور را کول الله به برای خوردن حرام است و قتل کردن
 جانور مودی جائز است مسئله حقوق مسلمان بر مسلمان شش چیز است
 رعایت مرخص و حضور جنازه و قبول دعوت و سلام و شش عاقلین
 و غیره خواهی بهم در حضور هم و به نیت مسئله باید که دو صورت دارد برای
 مسلمان آنچه که برای نفس خود و دوست دارد و مکروه دارد در حق آنها آنچه
 برای خود نه پسند مسئله رسول سلام واجب است مسئله باید که
 چهار چیز است مرتبه است اگر چه یک است و قریب آن عقاید باطله مرتبه
 و هم آنچه در آن حقوق مذکور است شود یعنی مسلم بر مال و خون و کبر
 مسلمان حق تعالی حقوقی چون کبر و بخل و حقوق مذکور نه بخشد
 بقومی نه انفس شود و این کرده که رسول علیه السلام فرمود روز قیامت منادی
 از عرش آواز دهد که ای امت محمد حق تعالی شما را مردان و زنان من
 بخشیده است اما به حقوق مذکور نه بخشید و داخل بهشت شود و طاعت کند
 بیت * مباش در پی آزار و مرجع خواهی کن به که در شریعت ما غیر از این
 کتاب نیست به یعنی کتابی برابر این کتاب نیست مرتبه سوم حقوق
 سه صفت است آنچه و احادیث کبار و ائمه چهاریم شرک و نافذی که

و قتل نفس و قسم دروغ و شهادت دروغ و دشنام و دشنام به خدا و رسول
مال تمام و خوردن ربوا و اگر چنین از جنگ گناه اگر دو جنب باشند و سحر کردن
و قتل فرزندان و خایچه گناه و خرافات و میکروند و زنا خصوصاً با زن همسایه و
حدیث آمده زنا با ده زن که تربت از زنا با زن همسایه و سحر و قطع طریق که
مخاربه با خدا و رسول است و بقی بر امام عادل و در حدیث آمده که هر که مرتکب
اگست که کسی بد و ما در خود را دشنام بپسند و الدین را خجسته کشی نام
و دیگر نمود و الدین و کفری با دشنام و بداد و الدین این را دشنام و بد
مسئله مدح فاسق حرام است حدیث است که حق تعالی بر این غضب شود
و غشش بدان بجز در مسئله اگر کسی میکروند یا حجت کند اگر کسی را
نباشد بروی باز کرد و فائده حدیث است علامات منافق دروغ
گوئی و خلاف و بعدگی و خیانت و اگر کسی را نسبت دهد که دشنام و دشنام
مسئله رسول صلی الله علیه و سلم هر که دشنام بگوید یا اگر چه قتل کرد
شوی و سوخته شوی و نافرمانی و الدین مکن اگر چه کفر نبند که از زن و فرزند
و مال خود بر شو مسئله حق شوهر بر زن آنقدر است که رسول علیه السلام
فرمود اگر سجده برای غیر خدا اجازت بودی زن را لم میکروم که شوهر را بحد
کند اگر شوهر زن را امر کند که بکشد یا بکشد و بدو داشته بکوه سیاه
و از کوه سیاه بکوه پیوسته برسان باید که بخواند مسئله

آنکه که بگویند شما کسی است که با زن خود خوب باشد و من بای اهل خود خشم
 و زن از پیروی چپ آفریده شده است راست نوان شد بر کجی آنها
 صبر باید کرد و نیکی باید نمود باید که او را دشمن ندارد و اگر از و راضی باشد
 طلاق و بد مسئله کناه صغیره راستن انکاشتن و بران هرگز کردن
 کناه کبیره است و حلال دانستن کناه صغیره قطعی موجب کفر است بخاری
 از انس روایت کرده که نموده که شما کارها می کنید از سوی ما بکنید
 و سبیل می بینید و ما آنرا و در عهد پیغمبر صلی الله علیه و سلم از مملکات
 میدانیم فائده سخن در شریعت است و مطولات ازان سخنان
 بقدر کفایت درین کورای پس خاتمه خوانان نوشته شد زیاده ازین که
 احتیاج است بجمار جمع می توان کرد

کتاب احسان التقرب

بدان استعدک الله تعالی این همه که گفته شد صورت ایمان و اسلام و شریعت
 و منفرد حقیقت آن در خدمت درویشان باید جست خیال نباید کرد که حقیقت
 خلاف شریعت است که این سخن جبال و کفر است بلکه همین شریعت است
 که در خدمت درویشان رنگ و بکر میدامی کند چون قلب از تعلل جبری علی
 که ماسوی اسد و اشراف پاک خود و در ذراتش بر طرف کشته نفس مطبوع
 و حکایتش هر ساند شریعت و حق او با منفر شود و عذرا الله تعالی و بگویم

اینکه که بگویند شما کسی است که با زن خود خوب باشد و من بای اهل خود خشم و زن از پیروی چپ آفریده شده است راست نوان شد بر کجی آنها صبر باید کرد و نیکی باید نمود باید که او را دشمن ندارد و اگر از و راضی باشد طلاق و بد مسئله کناه صغیره راستن انکاشتن و بران هرگز کردن کناه کبیره است و حلال دانستن کناه صغیره قطعی موجب کفر است بخاری از انس روایت کرده که نموده که شما کارها می کنید از سوی ما بکنید و سبیل می بینید و ما آنرا و در عهد پیغمبر صلی الله علیه و سلم از مملکات میدانیم فائده سخن در شریعت است و مطولات ازان سخنان بقدر کفایت درین کورای پس خاتمه خوانان نوشته شد زیاده ازین که احتیاج است بجمار جمع می توان کرد

حافظه کوش
 روزی چندین خلوت و در خلوت
 با وجود شریعت و در خلوت
 اخلاص
 بی با و با
 خدا جا آوردن

دو رکعت او بهتر از یک رکعت و یک ران باشد بخمین صوم او کفو خداوند
 رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر شما مثل کوه اخضر در راه خدا فر
 نسید برابر یک سیر یا نیم سیر خنبا باشد که صحابه در راه خدا داده اند
 این از جهت قوت ایمان و اخلاص شان است و نور باطن پیغمبر صلی الله علیه و سلم
 از سینه درویشان باید چسبید و بدان نور سینه خود را بر روشن باید کرد
 تا خبر حق و شکر حق را در میان حق و در قرآن شریف متقی را
 فرموده و در حدیث علامت او ایضا فرموده که از صحبت او خدا یا و آیه یعنی
 محبت و نیا در صحبت او کم بود از محبت حق زیاده کرد و او را علم نکن
 سیکه متقی نباشد او را علم نباید کرد و لا روم فرموده محبت حق است
 بلیس آدم روی هست پس هر کسی که دوست دارد با حق باشد
 ششست و نه جمیع و از تو بهر نسبت است این است و کلمات در نهان
 ای نقیض خاطر از نظر ما سومی السدائل است
 ریزان میباشد و نه نلکه روح عزیزان بکلمات محمد و اسلام
 علی عباد الله الدین صطفی

جدول سنج اعلیٰ از دود قند و طبع بر اساس ملائیکه

نوع	سنگ	قطر	سنگ	نوع	سنگ	قطر	سنگ
۱	سنگ	۱۱	۳۱	۱	سنگ	۱۱	۳۱
۲	سنگ	۱۲	۳۲	۲	سنگ	۱۲	۳۲
۳	سنگ	۱۳	۳۳	۳	سنگ	۱۳	۳۳
۴	سنگ	۱۴	۳۴	۴	سنگ	۱۴	۳۴
۵	سنگ	۱۵	۳۵	۵	سنگ	۱۵	۳۵
۶	سنگ	۱۶	۳۶	۶	سنگ	۱۶	۳۶
۷	سنگ	۱۷	۳۷	۷	سنگ	۱۷	۳۷
۸	سنگ	۱۸	۳۸	۸	سنگ	۱۸	۳۸
۹	سنگ	۱۹	۳۹	۹	سنگ	۱۹	۳۹
۱۰	سنگ	۲۰	۴۰	۱۰	سنگ	۲۰	۴۰
۱۱	سنگ	۲۱	۴۱	۱۱	سنگ	۲۱	۴۱
۱۲	سنگ	۲۲	۴۲	۱۲	سنگ	۲۲	۴۲
۱۳	سنگ	۲۳	۴۳	۱۳	سنگ	۲۳	۴۳
۱۴	سنگ	۲۴	۴۴	۱۴	سنگ	۲۴	۴۴
۱۵	سنگ	۲۵	۴۵	۱۵	سنگ	۲۵	۴۵
۱۶	سنگ	۲۶	۴۶	۱۶	سنگ	۲۶	۴۶
۱۷	سنگ	۲۷	۴۷	۱۷	سنگ	۲۷	۴۷
۱۸	سنگ	۲۸	۴۸	۱۸	سنگ	۲۸	۴۸
۱۹	سنگ	۲۹	۴۹	۱۹	سنگ	۲۹	۴۹
۲۰	سنگ	۳۰	۵۰	۲۰	سنگ	۳۰	۵۰
۲۱	سنگ	۳۱	۵۱	۲۱	سنگ	۳۱	۵۱
۲۲	سنگ	۳۲	۵۲	۲۲	سنگ	۳۲	۵۲
۲۳	سنگ	۳۳	۵۳	۲۳	سنگ	۳۳	۵۳
۲۴	سنگ	۳۴	۵۴	۲۴	سنگ	۳۴	۵۴
۲۵	سنگ	۳۵	۵۵	۲۵	سنگ	۳۵	۵۵
۲۶	سنگ	۳۶	۵۶	۲۶	سنگ	۳۶	۵۶
۲۷	سنگ	۳۷	۵۷	۲۷	سنگ	۳۷	۵۷
۲۸	سنگ	۳۸	۵۸	۲۸	سنگ	۳۸	۵۸
۲۹	سنگ	۳۹	۵۹	۲۹	سنگ	۳۹	۵۹
۳۰	سنگ	۴۰	۶۰	۳۰	سنگ	۴۰	۶۰

2925341

CALL NO. { 40 تالم ACC. NO. 2121

AUTHOR _____

TITLE _____ مالا بدینہ

Date _____ No. _____

Date _____ No. _____



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Rs. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.